



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سوالات

سال ششم - شماره ۱۵۰۰

صفحه ۱

پیر، نیند فراهی

شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۲۹

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۱

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح مذاکرات یازدهمین جلسه دوره شانزدهم مجلس شورای ملی از صفحه ۱ تا ۱۴
آگهی های رسمی ۱ تا ۱۶

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳ شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۲۹
فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
 - ۲- نطق قبل از دستور آقایان: شهاب خسروانی - نبوی - ناظرزاده - دکتر مصباحزاده
 - ۳- طرح برنامه دولت و مذاکره در اطراف آن
 - ۴- تعیین موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه
- مجلس ساعت نه و سی و پنج دقیقه صبح پریاست آقای گنجی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - نسبت بمذاکرات جلسه گذشته اعتراضی نیست؟ آقای فرامرزی نظری داشتید فرمائید

فرامرزی - عرضی که بنده می خواهم بکنم راجع باین طرز نوشته شدن صورت جلسه است در جرایده که بعضی از آقایان میگویند همه اش غلط است و طرز انتشارش در جرایده همیشه موجب گله آقایان است عرض کنم آن آقایان مغربین جرایده که این جانسته اند درست حرف آقایان را که در اینجا صحبت میکنند نمیشوند، دلیلی ندارد که اینها فرض داشته باشند فرضی ندارند اما درست نمیشوند گذشته از اینکه درست نمیشوند هم مخبر روزنامه ای هم تند نویس نیست (صحیح است) این رامن خواهش میکنم دستگاه تند نویسی مجلس را یک قدری بیشتر مجهز بکنید و تکمیل بکنید که مذاکرات مجلس را بتواند بروز نامه های عصر برساند و درست منتشر بشود (صحیح است) چهل سال است نطق مجلس غلط در جامعه منتشر میشود (صحیح است) و هنوز کسی فکر نکرده که یک کاری بکنند که درست منتشر بشود

میگویند که سندان است که اینجا است، اگر آدم را بعد از بیرون آمدن ثابت میکند که آقایانکه روزنامه نوشته است صحیح نیست بیاید اینجا مراجعه بکنید اما هدلیه که نمیرند آدم را محاکمه بکنند جامعه ایران نطق مجلس را آن میدانند که توی روزنامه ها منتشر میشود نه توی اینها، قضاوت روی آنها میکنند من خواهش میکنم که بهر ترتیبی که مقتضی میدانید مذاکرات مجلس را طوری بکنید که بروزنامه های عصر برسند (صحیح است) تا درست منتشر شود.

نایب رئیس - در هیئت رئیسه این موضوع مطالعه خواهد شد. آقای اسلامی

اسلامی - عرض کنم همانطور که آقای فرامرزی فرمودند غالب این مذاکرات مجلس غلط است و بعضی از این غلط ها است که جمله را بگویی عوض میکنند حرف «ب» میشود با حرف «ن» میشود که تقریباً نطق نماینده را عوض میکند. ملاحظه فرمائید بنده در جلسه گذشته مطالبی گفتم به بنیاد چه جوری نوشته شده این جا و البته آقایان تصدیق میفرمائید که بنده اینطور

نکفتم امروز هم باید توجه بشود که ما اگر قرارداد منقذ میکنیم و با دولتی مذاکره میکنیم انشاء الله بنفع مملکت باشد و دول دیگر من غیر مستقیم در موقع استفاده بکنند» و حال آنکه استفاده نکنند صحیح است و ن، «ب» شده تمام جمله ای را که بنده عرض کردم غلط کرده است و بنده هم چنین چیزی نگفتم. یکی دیگر هم این جا است که سیاست شده است عقیده بنده گفته ام چیزی که دوسه نفر بقیه بقاری مردمان بیچاره و زبون هستند بامور سیاست خارجی نه عقیده، چنانکه روزنامه ها هم سیاست نوشته اند اغلاط دیگری هم هست که البته قابل ملاحظه نیست اینها را باید تند نویسها متذکر باشند که «ن» بنشود و استعدا میکنم که این دو کلمه اصلاح شود.

نایب رئیس - صورت مذاکرات دفعه دیگر تجدیدنظر و تصحیح میشود و چاپ میگردد. البته این تذکر در نظر گرفته خواهد شد. آقای اردلان

اردلان - بنده در صورت جلسه یک اشتباهی می بینم که خواهش میکنم تصحیح بشود بنده عرض کردم که یک شخصی بمن نصیحت کرد که کوشش نکنید قوانین تصویب بشود نوشته شده کوشش بکنید که قوانین موضوعه بدو قاع اجرا گذاشته شود. درست این را مکتوس نوشته اند.

نایب رئیس - آقای حاذقی

حاذقی آقای شهاب خسروانی مطالب لازمی داشتند خواهش کردند که من نوبت خود را بایشان بدهم

نایب رئیس - آقای شوشتری راجع بصورت جلسه نظری دارید؟

شوشتری - فرمایشات آقای فرامرزی صحیح بود و البته نظر خاصی بطور کلی به هیچیک از مخبرین جرایده نمیتوانیم تصور کنیم ولی همانطور که فرمودند

● عین مذاکرات مشروح یازدهمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

«اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس»

اشتباه کرده اند مثلا در نطق خود من گله ای از دول مرین را کلمه نوشته اند و یا کلمه مستشرق را مستظهر نوشته اند که عبارت را عوض میکند به تمام معنی يك عبارت کلی سیاسی را بر میگردداند منبایش را ولی بعضیها جناب آقای فرامرزی تمام آن تحریف میکنند با اینکه دو مرتبه اصل ۲۳ قانون اساسی را اشاره کردم اینها را که باید خود ارباب جراید توجه کنند که هر قدر روزنامه ها به مملکت اظهار علاقه میکنند باید حیثیات مجلس و نمایندگان را حفظ کنند (صحیح است) برای اینکه اگر خدای نخواسته مجلس موهون بشود در تمام شئون مملکت دیگر هیچکس موفق نمیشود یک قدم مفید بردارد.

۳ - نطق قبل از دستور آقایان: شهاب خسروانی - نبوی - ناظر زاده - دکتر مصباح زاده

نایب رئیس - نسبت بصورت مذاکرات جلسه قبل دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خیر) تصویب شد آقای شهاب خسروانی

شهاب خسروانی - با اینکه امروز مطابق معمول باید برنامه دولت مطرح گردد لزوم توجه بیک نکته اساسی مرا مجبور ساخت که قبل از دستور وقت آقایان محترم را گرفته در موضوع مربوط با انتخابات تهران عرضی بکنم این جانب از نظر سوابقی که در انجمن شهر تهران داشتم و در غالب از شوری های اقتصادی و اجتماعی شرکت مینمایم و با طبقات مختلف تهران سالها است در تماس هستم اخیراً کار را با این جانب مراجعه مینمایند از بلا تکلیفی انتخابات تهران اظهار نگرانی مینمایند که چرا در این موقع بحرانی که مجلس و کشور بیش از هر موقع نیاز با اتفاق و اتحاد دارد تشتت افکار عضو انجمن تهران سبب گردد که مجلس شورای ملی از هم فکری و آراء نمایندگان محترم تهران محروم گردد (صحیح است) بنده معتقدم که کلیه آقایان در این خصوص با من همفکر و هم عقیده هستند (صحیح است) (کشاورز صدر - بشرط ابطال صندوق لواسان) که صلاح کشور در این است که آقایان نمایندگان تهران هر چه زودتر بمجلس تشریف بیاورند (صحیح است) و در مقدمات کشور شرکت نمایند متأسفانه جریانی که انجمن انتخابات تهران بخود گرفته این آرزوی همگی ما را تقریباً بتأخیر میاندازد و از فرائض و جریان کار چنین بنظر میرسد که اختلافات و تشتت آراء موجود در انجمن مانع از اتخاذ تصمیم و معرفی نمایندگان حقیقی تهران بمجلس گردیده و موجب شده است که برخلاف سیره و مقررات گذشته جریان انتخابات که بایستی صد درصد ملی و بدست مردم عمل گردد بر راجع غیر صلاحیتدار مراجعه میشود و با تولید این سابقه بدعت نامطلوبی برای انتخابات آتیبه گذارده خواهد شد (صحیح است) (اسلامی - دادگستری حق دخالت ندارد) بهترین طریق حل اختلاف و خانه دادن باین تشنج بی سابقه و تسریع شرکت نمایندگان محترم تهران در مجلس شورای ملی این است که پرونده انتخاباتی تهران برای قضاوت و اتخاذ تصمیم نهائی و معرفی نمایندگان حقیقی تهران پرونده امر بمجلس شورای ملی فرستاده

شود که با تصویب آقایان نمایندگان محترم با کمال بی نظری موضوع مورد مطالعه و تصویب قرار گیرد (همه نمایندگان)

حاذقی - انجمن باید رسیدگی کند

کشاورز صدر - صندوق لواسان باید باطل شود برای اینکه برای ملت ایران نبود.

صفائی - انجمن باید رسیدگی کند و نظر خودش را بدهد (زنک ممتد نایب رئیس)

شهاب خسروانی - اگر انجمن نخواهد تصمیم بگیرد عرض دوم بنده این است که شرحی اعضاء برق راجع بحسن جریان برق و خدمات و زحمات آقای مهندس نجم نوشته اند که چون حالا وقت ضیق است یکی از همکاران محترم من موضوع را در جلسه بعد عرض آقایان خواهد رساند (احسن - احسن)

نایب رئیس - آقای نبوی - بنده معتقدم که مجلس باید توجه کند که قوانین آنطوری که هست اجرا بشود در خصوص بیاناتی که آقای شهاب خسروانی فرمودند ما بایستی سعی کنیم که قانون انتخابات اجرا شود (صحیح است) انجمن را تحت یک فشار هائی نگذاریم که از قانون منحرف شود (صحیح است) رسیدگی بشکایات راجع به قانون انتخابات را باید اول انجمن رسیدگی بکند و رویش رأی بدهد و بعد بفرستد بمجلس . . .

آشتیانی زاده - شاید یکسال بخوابد معطل بکند .

نبوی - عملی که در گذشته کردند شاید خیلی با قوانین تطبیق نمی کرد (شوشتری - شاید خیر، حتماً نمی کرد) ولی از انجمن فعلی تا امروز هنوز چیزی که مخالف با قانون باشد دیده نشده بنابراین ما هم بایستی يك عملی بکنیم . . . (آشتیانی زاده - تأخیر يك اشکالاتی پیش آمده ده ، بیست انجمن فرعی باید اینها را حساب کنند (اردلان - چند ماه میشود معطل ماند ؟) آراء هم منتشر بوده بنام اشخاص مختلف بوده و تأخیر این چند روز برای این بوده است که بتوانند نتیجه جمیع آراء را بدست بیاورند و اکثریت را تعیین کنند و از آنروز هفته شکایات و هفت رسیدگی بشکایات شروع خواهد شد و بعد از آنهم اگر انجمن تخلفی کرد آنوقت جادارد که ما بایستیم اینجا اعتراض کنیم ولی هنوز که تغلف نشده حق نیست که ما به آنها فشار بیاوریم (حاذقی - باین سستی هم که نمی شود) اما مطلبی که خواستم عرض آقایان برسانم و خیلی هم مهل داشتم از هیئت دولت يك نفر مخصوصاً جناب آقای نخست وزیر تشریف داشته باشند این بود که آقایان کاملاً متوجه هستند که وضع رعایای ما در این یکی دو سال اخیر خیلی بد شده است (صحیح است) یعنی بطوری بد شده که هر آدمی متأثر می شود این مملکت حیاتش بستگی داشته است به همین رعایا و دهاقین ، ماهیچ عایدی در این کشور نداشتیم مملکتی که چندین قرن و چندین هزار سال از عمرش گذشته همین زارعین مملکت را حفظ کردند و بعبیات سیاسی و اقتصادی مملکت ادامه دادند

و متأسفانه در این دوسه سال اخیر هیچ کمکی بآنها نشده است بنده عرض نمیکند که رو گذشته زندگی دهاتی های ما بسیار خوب بوده و در رفاه بودند ولی اینقدر بود که بتوانند درده توفک کنند و زندگی کنند متأسفانه در این دو سال اخیر طوری شده که دیگر دردهات نمی توانند زندگی کنند نه تنها آنها نمی توانند کشاورز صرف بوده اند نمیتوانند زندگی کنند و دهات را خالی کردند بلکه دیگران هم فرار کردند آقایانیکه در خراسان هستند بخوبی میدانند که در خراسان دوسه شهرستان از بین رفته یکی از شهرستان های مهم خراسان که دارای بیش از دویست هزار نفر جمعیت بود فاینات بود که محل بسیار معروفی است و مردمان سالم و زحمتکش دارد اینها تمام دهات را خالی کردند و مهاجر شدند و الان در تمام شهر های خراسان زن و بچه گرسنه در کوچه ها سرگردانند و در این زمستانی کاری که کردند در حدود ۲۰۰۱۰ هزار نفر از اینها را در نوانخانه ها و نقاطیکه گرمخانه درست شده بود حفظ کردند و در آتیه شاید در اثر زیادی عده نتوانند این کار را بکنند برای اینکه منابعی که این کمک ها را میکند نمیتواند و از بین میرود و باین وسایل نمیتواند جلوگیری کند در همین حال من امیدوارم و خوشوقتیم که دولت باین نکته توجه کرده و اقدام کرده ولی در این کاری که دولت کرده فقط آوارگان آذربایجان که وضع آنها هم خیلی بد است فکرهائی کرده (سالار بهزادی - جاهای دیگر از آذربایجان بدتر است) (درین موقع هیئت دولت وارد طالار مجلس شدند) خواستم توجه آقای نخست وزیر را مخصوصاً معطوف کنم که با تشکر از اینکه نسبت با آوارگان آذربایجان بسیار خوب عمل کرده و مورد تشویق و تصدیق نمایندگان است و باید همینطور باشد و وقفه ای نباشد در امر آوارگان آذربایجان نباید پیش بیاید ولی خواستم این را هم توجه داشته باشند که عده زیادی از آقایان چون در ایام هید بغراسان رفته بودند و از نزدیک همه دیده اند (همه نمایندگان - همه جا بد است) (امامی اهری - آقای نبوی مگر شما وضع آذربایجان را میدانید ؟ اول بفرمائید ببینم آنجا چه افسدای شده) الان روزی نیست که عده کثیری از آوارگان قائل و فردوس و گناباد و جاهای دیگر تلف نشوند و بسیاری از آقایان میدانند که سزوار يك جائی است که حاصل خیز است و اغلب آبادی است رعایای آنجا همیشه در رفاه بودند (صحیح است) اغلب اشخاصیکه اهل زراعت هستند و ملک داشتند و مزرعه ای داشتند آرزو میکردند که در سزوار يك تکه ملکی داشته باشند زیرا املاک آنجا در کمال آبادی بود بنده بغاطر دارم که مرحوم داور بخود من میگفت که ایده و نقشه من این است که تمام دهات مملکت مثل دهات سزوار بشود حالا همان شهریکه آرزو آنطوری بود امروز ۲۰ هزار نفر سزواری در تهران یا عملگی میکنند یا گدائی میکنند و یا تلف شده اند و تمام آن دهاتی که معروف بود الان خالی شده است

بطوریکه هر ض کردم دارد از بین میرود . سیستان دارد از بین میرود همان توجهی که باذربایجان شده است که آنجا را هم بنده تصدیق میکنم کم است (امامی اهری - چه شده آقا ؟ چرا میفرمائید ؟ آذربایجان را گول میزنند) همان توجهی که به آنجا باید بشود و حتماً هم باید بشود هیچکس منکر نیست که وضع آذر بایجان بد است این نظر هائی که مادر کوچه و خیابان می بینیم رفت - آوار است هیچکس منکر نیست هیچ آدم رفیق قلبی نیست که این وضع آذربایجان را ببیند و تأثر باو دست ندهد و این را دولت باید توجه کند بسیار وضع این بیچاره ها بد است دولت باید خیلی بیشتر از آنچه کرده است بکند خواستم عرض کنم که در این موضوع کسی اختلاف ندارد و این توجه دولت باید همه جا بشود (صحیح است) باید توجه بیک نظر توجه کند مثل يك پدری که با ما فالتش نگاه میکند البته من نمی گویم پولهای مفت باشخاص بدهید این عمل خوب نیست، صحیح نیست مفتخوری را نباید در این مملکت رواج داد بهترین راه این است که کارهای عمرانی و آبادانی شروع شود در محلها و این عملها شروع بکار کنند و مشغول شوند و آنچه چیزی هم که میشود فوراً شروع کرد و بر مردم کار داد موضوع راهسازی است مخصوصاً راه آهن، راه آهن خراسان نزدیک با تمام است در گذشته در این راه میلیونها خرج شده اگر الان توجهی باین راه نشود قطع نظر از این که برای این بیکاران و آوارگان کاری تهیه نمیشود آنچه هم که در گذشته خرج شده است از بین خواهد رفت ماو کلای خراسان مکرر در مرکز صحبت کرده ایم استدعا کرده ایم از دولت که آقا اقدامی بفرمائید که راه آهن خراسان درست شود درست شدن این راه علاوه بر این که برای عمران و آبادی مفید است سالی چندین نفر از اطراف واکتاف این مملکت که بغراسان برای زیارت میروند از این راه خواهند رفت و راه آهن استفاده میکند و مهمتر اینکه همانطور که عرض کردم این راهی که میلیونها خرج از برای ساختن آن شده است از بین نرود متأسفانه هیچ توجهی باین قسمت نشده است و در این راه کاری که قابل ذکر باشد الان نیست و کاری که الان میشود بطوری است که دولت وساختمان راه آهن اگر ۲۰ سال دیگر اینطور کار کنند باز راه مشهد متصل نخواهد شد تقریباً میشود گفت آن کاری که الان در آنجا میشود متناسب با آن میزانی است که آن ساختمان خراب میشود، بنابراین به این صورتی که هست هیچوقت کار پیشرفت نمیکند اگر دولت توجه عاجلی بکند برای آذربایجان و خراسان و سایر نقاط هم عده زیادی مشغول کار خواهند شد هم این راهها محفوظ خواهند ماند وهم برای مملکت مفید است وضع طوری نیست که بشود به تعلل و مسامحه بر گزار کرد و گفت مثلا چند ماه دیگر این کار خواهد شد بنده چندی قبل که در مشهد بود در کوچه ها و خیابانها دیدم که این آوارگان ریخته اند از جمله روزی رفته به بیمارستان شاهرضا رئیس بیمارستان که مرد فرانسوی است از من می پرسید اینها که الان انواع امراض و فقر و بیچارگی دارند کسانی هم که از قاین آمده اند تمام دستهایشان هم زخم

است این از چیست ؟ بنده هم آنوقت میل نداشتم که این مرد بیگانه بداند درجه فقر و بیچارگی و فلاکت در چه حدود است ولی این را می گویم که چون این بیچارگان وسیله ای برای ارتزاق ندارند و چون ارتزاقشان بکارخ عمی است که از این ریشه علف ارتزاق می کنند و اینقدر وسیله ندارند که بتوانند برای خود تیشه ای بیللی تهیه کنند که ریشه این علف را در آورند و با آنچه میباشان این کار را انجام میدهند و در نتیجه پنجه های آنها زخم میشود و خون می آید چنین وضعی را من گمان نمیکند کسی تصدیق کند که قابل دوام است (صحیح است) مهمترین عملی را که دولت باید انجام دهد این است که باین موضوع توجه کند و تسریع کند که هر چه زودتر باین وضعیت خاتمه دهد این مملکت اگر باید روزی آباد شود و انشاءالله آباد میشود حتماً از دهات باید شروع شود والا هر قدر مادر شهرها کار هائی بکنیم و کار های تشریفاتی بکنیم این بعالم مفید نخواهد بود (صحیح است) بنده این را خواستم حضور آقایان عرض بکنم که شاید انشاءالله موفق بشویم چون وقت بیش از یک ربع ساعت نیست دیگر عرضی ندارم .

نایب رئیس - آقای ناظرزاده

ناظرزاده گرمانی - بطوری که آقایان محترم درجه ایند ملاحظه فرمودند اخیراً در بابت کرمان سیل بعدی آمده که باعث از بین بردن محصول نقریه و آبادی و آواره شدن مردم آنجا شده است بنده بعضی اینکه تلگراف امسالی آنجا رسید فوراً به جمعیت شیروخورشید سرخ مراجعه کردم و این جمعیت همانطور که همه آقایان میدانند با حسن نیت و با لزوم کمکی که در این مورد میکنند سر بیما تلگراف کردند به بخشدار و عده از معتمدین محل که هر نوع کمک فوری که لازم است پیشنهاد کنند تا از طرف جمعیت مرکزی اقدام لازم بعمل آید بنده از این اقدام جمعیت شیروخورشید سرخ و همچنین از کمکهای که سازمان خدمات شاهنشاهی نسبت بر مردم این مملکت میکنند و لازم است که سایر دوایر و ادارات ما هم جداً سرمشق بگیرند زیرا اگر بنا بود همین کاریرا که جمعیت شیروخورشید سرخ همین دیشب در ظرف چند دقیقه انجام داد ادارات ما انجام بدهند وقتی به آنجا مراجعه میکردیم شاید چندین روز طول میکشید (دکتر طباطبائی - چندین سال) والبت تشکر بنده بعد از افتتاح بیمارستان سیرجان و دو درمانگاه که یکی در بافتو یکی در بردسیر هست مفصل خواهد بود اما کمکی که از جناب آقای نخست وزیر استدعا داریم این است که مقرر بفرمائید طبق تقاضائی که اهالی کردند و تلگرافهایی که کردند اجازه بدهند مقداری جنس به آنجا تخصیص داده شود که اگر ممکن است مقداری از این جنس بزارهین بلاعوض بدهند که از اهالی استان هشتم و اهالی کرمان از جنابعالی و آقای دکتر مشرف نفسی هم تشکر میکنم که همین اقدام زودتر عملی شود که بنده بیایم پشت همین تریبون و بگویم که خوشبختانه در کرمان شرکت آجو برق

دیگری که خواستم از جناب آقای نخست وزیر تقاضا کنم راجع با عزام استاندار کرمان است جناب آقای وارسته که مسلماً از مردان شریف و پاکدامن کشور هستند تهران تشریف آورده اند هنوز استانداردی بجای ایشان فرستاده نشده است با اطلاعی که من از اوضاع استان هشتم دارم عزام استاندار واقفاً کمال لزوم را دارد ضمناً خواستم بر عرض جناب آقای نخست وزیر برسانم استانداری که باستان هشتم اعزام میفرمائید باید سرالوجه کار هایش رفع اختلافات محلی باشد نه استاندار کرمان بلکه تمام استانداران و فرمانداران و حتی بخشداران که افتخارست نمایندگی از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دارند اولین وظیفه شان این است که در استانها ، شهرستانها و حتی دردهات رفع اختلافات و کدورت هائی که بین مردم در نتیجه عوامل مختلف بوجود آمده است بکنند (صحیح است) اگر رفع اختلافات محلی نشود مسلماً هیچ خدمتی دیگر آنطوری که باید و شاید عملی نخواهد شد (صحیح است) مسئله دیگر که خواستم عرض کنم راجع بوضع انتخابات یعنی راجع بانجام انتخابات باقیمانده همه ایران مخصوصاً استان هشتم است الان چند جا انتخابات معوق مانده که ما از دولت جدید انتظار داریم بزودی این انتخابات را عملی بکنند در کرمان مخصوصاً نه انتخابات خود شهرستانها و نه انتخابات رفسنجان و نه انتخابات جیرفت تعویق و طول انتخابات باعث تشدید اختلافات محل است و امیدوار هستم که دولت از این لحاظ يك تصمیم عاجلی بگیرد که در همه ایران و مخصوصاً استان هشتم که بیش از همه جا انتخابات معوق مانده تسریع شود. يك عرض دیگر هم دارم راجع بفقر و پریشانی عمومی در کرمان است، راجع بفقر و پریشانی همه نقاط کشور در این مجلس مطالبی اظهار شده ولی بنده تصور میکنم که راجع بکرمان دیگر لازم نباشد توضیحی داده شود از این گذشته بنده بطور کلی امروز تشریح دردها را عرض نمیکند چه فایده ، مثل ما مثل کسی میماند که اطراف مریضی را گرفته ایم و بجای اینکه يك قطره دوا بچلقش بریزیم با اقدامی برای معالجه اش بکنیم یکی میگردد چشمش از کار افتاده ، یکی میگردد گوشش خراب است، یکی میگردد قلبش از کار افتاده، یکی میگردد اعصابش خراب است اینها تصور میکنم که خیلی لزوم نداشته باشد و بهتر این هست که بجای این حرفها شروع بکار ، شروع بفعالیتی برای رفع بدبختیهای مردم بشود (صحیح است) راجع بکرمان جناب آقای نخست وزیر توقع زیادی از دولت ندارم بطوری که خود حضرتتعالی هم میدانید در جراید و در رادیو گفته شد که برای کرمان شرکت برق و آب در شرف تشکیل است یا تشکیل شده انتظار اهالی استان هشتم اهالی کرمان این است که همین موضوعی که خود سازمان بر نامه در نظر گرفته برای کرمان و بنده از طرف اهالی استان هشتم و اهالی کرمان از جنابعالی و آقای دکتر مشرف نفسی هم تشکر میکنم که همین اقدام زودتر عملی شود که بنده بیایم پشت همین تریبون و بگویم که خوشبختانه در کرمان شرکت آجو برق

که دولت وعده داده بود امروز عملی شده در کرمان کارخانه های قالی بافی که تقریباً شریان اقتصادی آن استان بشمار میرفته بسته شده و مراجع بسیار امور و کسب و کار مردم بنده واقفاً شرم دارم که درست جریان را توضیح دهم فقط کاری که در سابق برای مردم کرمان شده بود بنده نمیخواهم گناهی را بگردن دولت فغانی بیاندازم این بود که دارائی کرمان فشار آورده بود مردم برای وصول مالیاتهای موقوفه مردم که میدیدند که يك مالیاتهای که رشک و بر خلاف قانونی از آنها مطالبه میشود متعصن شده بودند در تلگرافخانه و مدتی در آنجا بودند يك روز بنده و آقای ارباب گویو رفتیم در آخرین روزی که تلگراف ضروری داشتند بهشان تذکر دادیم ، گفتیم که مصلحتن باشد دولت نسبت بشما مساعدت خواهد کرد و نمی خواهد که شما را زیر فشار بگذارد از تهران هم بازرس اعزام خواهد شد و اینکار خاتمه داده میشود مردم هم قبول کردند و از تعصن خارج شدند و دو نفر بازرس هم باسم آقایان رضامیر و ارفع نیا فرستاده شدند این دو نفر بطوریکه تلگرافهای رسیده حاکی است تا حدی نسبت بشکایات مردم رسیدگی کردند و بنده امیدوار هستم که امروز کمک بکرمان متعصم بهین وصول مالیات نباشد و از این کاری هم که این دو نفر برای تسکین خاطر مردم کردند اظهار قدردانی میکنم و آقای بهنیا هم که به تذکرات بنده فوراً ترتیب اثر دادند و باعث شد که مردم از تعصن خارج شوند مورد تقدیر بنده است (شوشتری - آقای بهنیا گولتان زده است) بنده میخواستم در برنامه دولت مفصلاً بحث کنم اما چون دیدم که يك عده زیادی قبل از بنده اسم نویسی کرده اند دیگر لازم نمیدانم که بنده چیزی بعرض برسانم انشاء الله آقایان حق مطلب را اذاه خواهند کرد ولی جناب آقای نخست وزیر همانطور که خودتان توجه فرمودید بزرگترین خدمتی که دولت شما نسبت باین مملکت محققاً میتواند انجام دهد مبارزه با یاس و بدبینی و رفع اختلافاتی است که بین طبقات مختلف این مملکت ایجاد شده (صحیح است) من نمیدانم چه دستی، دستهای خارجی و غایبداً شخصی ندانسته هشت سال ، نه سال بین طبقات مختلف این مملکت تا آنجائی که مقدرشان بوده نفاق و عداوت و بغض و دشمنی ایجاد کرده اند (صحیح است) مملکت مثل يك خانواده است وای بحال آن خانواده ای که بین آن عداوت و دشمنی و نفاق و بغض باشد (صحیح است) مسلماً تا این بغض و نفاق و عداوت از بین مردم برداشته نشود هر نقشه اصلاحی نقش بر آب است اما جناب آقای نخست وزیر بنده از حضرت تاملی سؤال میکنم بسته شدن يك کارخانه برای يك مملکت آیا موضوعی است که عدهای خوشحالی بکنند ؟ بینید کار نفاق و دشمنی و بغض و عداوت مردم نسبت بهم چه جور شده است که وقتی دوجراید خوانده میشود که مثلاً فلان کارخانه بسته شد عده ای خوشحال میهنود مثل اینکه وقتی این کارخانه بسته شد فی الحال پارچه مفت میآورند میدهند با افراد این مملکت ، دیگر فکر نمیکنند که با چه خون جگری این کارخانه ها در این مملکت تاسیس

شده و وظیفه فردا فرد مردم است که اینها را متعلق بخودشان بدانند حالا وضعی پیش آمده در مملکت آشفتنگی پیش آمده است که باعث شده مثلا مدیر کارخانه تعطیل بکند و کارخانه را تعطیل بکنند دولت بایستی نگاهدارد این کار را بکند برای اینکه بسته شدن يك کارخانه و بیکار شدن يك عده ای و گرسنه ماندن هائله آنها چه کاری است مردم اگر درست میفهمند این را بمنزله هزای ملی باید تلقی کنند، هی خیر داده میشود که تجار و رشکست شدند کارخانه ها بسته شدند زارفتن از فلان محل دست کشیده و به تهران آمده اند این خبرها خبرهای خوبی نیست (شوشتری - آخر تجاوز از حد متمسک بشد است) بهر صورت جناب آقای نخست وزیر به حضرت تاملی مردم خیلی امیدوار هستند و یقین داریم که با بصیرت و سابقه ای که در کار دارید این نکات را بهتر از همه در نظر میآورید و آن روزی که جنابعالی شروع بفرمائید و آن برنامه ای را اجرا بکنید که حقیقه این نفاق و یاس و بدبینی را از بین مردم بردارید شما خدمت حقیقی را باین مملکت کرده اید بنده دیگر عرضی ندارم (احسن)

نایب رئیس - آقای دکتر مصباح زاده ،

دکتر مصباح زاده - بنده امروز صبح زود آمدم برای اینکه بتوانم در صورت موافقت دولت ثبت اسم بکنم متأسفانه دیدم عده زیادی ثبت اسم کرده اند (یک نفر از نمایندگان - تأسفی ندارد) و چون مطلب زیاد نبود این بود که از نطق قبل از دستور استفاده کردم که يك عرضی را بکنم . بعد از افتتاح مجلس در حدود دو ماه است که ما میتوانیم کار بکنیم و متأسفانه باید گفت که هیچ کاری نکرده ایم یعنی يك مدتی با دولت گذشته اینجا نشستیم یا موافق یا مخالف یا وزراء صحبت کردند بعد هم یکماه مجلس تعطیل شد و حالا مجلس باز شده در مدت تعطیل مجلس هم يك دولت جدیدی روی کار آمده که میتوان گفت در تعیین وزرایشان مجلس هیچگونه دخالتی نداشته است (آشتیانی زاده - در تعیین خودشان هم مجلس دخالتی نداشته) در ایام تعطیل مجلس آقای نخست وزیر وزرای خودشان را انتخاب کردند و برنامه خودشان را هم بمجلس آوردند و ما از مفاد آن اطلاع یافتیم بقیه بنده ما باید در این سال نو و مجلس نو و دولت نو سبک کارمان را تا اندازه ای عوض کنیم باین ترتیب بجای اینکه روزانه برای دو هفته ، سه هفته ، چهار هفته نمیدانم چه مدت تمام وزراء را يك روز این جا جمع کنیم و يك روز در مجلس سنا جمع کنیم و از دردهای مملکت صحبت کنیم این فایده ای ندارد برای اینکه کسی نیست که دردهای مملکت را نداند ، کسی نیست که از آشفتنگی امروز مملکت اطلاع نداشته باشد و ذکر این مسائل تکرار مکررات است بقیه بنده ما باید در این سال نو بجای اینکه مخصوصاً این را عرض میکنم برای اینکه شنیدم که پیشنهادی داده شد که مدت نطق را از بیساعت به دوساعت بالا ببرند من فکر میکنم بجای این کار ما باید امروز یا بدون بحث در برنامه دولت برای اینکه برنامه ایشان برنامه صحیحی است (صحیح است) و همه ما آرزو داریم که دولت بتواند این برنامه را عملی بکند یا بدون بحث در برنامه یا اینکه همین

امروز صبح وعصر ما این جا حاضر شویم و مخالفین و موافقین مطابق آئین نامه صحبت بکنند و همین امروز ما بدولت رأی اعتماد بدهیم و دولت را در مدت سه ماه آزاد بگذاریم تمام لواجهای را که میآورد با سرعت و با حسن نیت بحث کنیم و نظر مجلس را با اطلاع آنها برسانیم تصویب بکنیم اگر پس از دو ماه یا سه ماه دولت با کمک مجلس نتوانست کاری انجام بدهد ، کاری از پیش ببرد آنوقت باید از آقایان خواهش کرد که دیگر هیچوقت خودشان را کاندید وزارت نکنند (آشتیانی زاده - عجب خواهشی) نه دیگر خیلی صحیح است ملاحظه بفرمائید باید ما يك کاری کنیم (همه هم نمایندگان - زنک نایب رئیس) اجازه بفرمائید باید يك کاری کنیم که مردم مملکت بفهمند که نمایندگان آنها این جا میخواهند برای مملکت کار بکنند و این وقتی است که برای دولت تسهیلاتی قائل بشویم ، لواجهش را زودتر تصویب بکنیم و بجای اینکه هر روز دولت بیاید در مجلس بنشیند و حرف مارا گوش کند برود در وزارتخانه اش و برای ملت کار بکند (دکتر مجتهدی - هنوز روز اول است) و بنده این را عرض میکنم و خیال میکنم که صلاح مملکت در این باشد که در این سال نو بجای مذاکره و مباحثه و مخالفت دولت را تأیید کنیم که دولت از فردا صبح بداند يك دولتی است که مورد اعتماد مجلس است و بتواند کار بکند ما هم چیزی کم نمیکنیم برای اینکه پس از تصویب برنامه دولت و دادن رأی اعتماد بودجه دولت هست ، سؤال نمایندگان هست ، استیضاح هست هر موقع که ما بخواهیم میتوانیم هر مشکلی را که داریم ، هر ایرادی داریم بیان بکنیم ، بنابراین من فکر میکنم که اگر ما امروز این کار را بکنیم باخیر و سعادت مملکت توأم خواهد بود (صحیح است) بنده دیگر عرضی ندارم .

۳ - طرح برنامه دولت و مذاکره در اطراف آن

نایب رئیس - شروع میکنیم بطرح برنامه دولت ، چون پیشنهادی از آقای آشتیانی زاده رسیده خوانده میشود و بعد مطابق بند ب ماده ۸۹ آئین نامه رأی گرفته خواهد شد .

(پیشنهاد آقای آشتیانی زاده بشرح زیر فرات شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم مدت نطق در اطراف برنامه دولت مانند موقع طرح برنامه دولت جناب آقای ساعد دوساعت باشد .

پیراسته - آقا این در نظامنامه تصویب شده است (همه هم نمایندگان) .

نایب رئیس - آقایان باین نامه توجه کنید .

دب - از ماده ۸۹ قرائت میشود ،

در موارد استثنائی ممکن است مدت نطق در موارد فوق برای مجلس اضافه شود (همه هم نمایندگان) (زنک رئیس) .

نایب رئیس - آقایان توجه بفرمائید ... ولی این رأی بدون مذاکره بعمل میآید (صحیح است) راجع به پیشنهاد آقای آشتیانی زاده که مدت نطق از بیساعت بدوساعت تعدیل شود باقیام و قعود رأی میگیریم آقایانی که موافقت فرمایند کنند (عده کمی برخاستند) تصویب شد .

جمعی از نمایندگان - آقایای گرفته نشد

شوشتری - کسی متوجه فرمایش جنابعالی نشد .

نایب رئیس - ردد شد (زنک رئیس) .

پیراسته - بطور کلی ماده نظامنامه اصلاح شده است .

نایب رئیس - تصویب نشد . آقایان توجه بفرمائید ما با قیام قعود اعلام رأی کردیم آقایان توجه نکردند .

نبوی - قابل تکرار نیست رأی گرفتن .

نایب رئیس - آقای آشتیانی زاده بعنوان مخالف صحبت خواهند فرمود .

اردلان - مجلس رأی نداد

جمعی از نمایندگان - رأی گرفته نشد .

صفائی - سه نفر بیشتر مخالف نیستند بگذارید اینها حرفشان را بزنند . چرا تبیض میشود ؟

آشتیانی زاده - بنده از طرف مشروطیت و آزادی و ملت ایران از اشخاصی که وضع نظامنامه داخلی پارلمان مارا باین روز انداخته اند تشکر میکنم (احسن) نتیجه بیشوائی این آقایان این شد که قلعه راشکستند ز بهار استند و امروز مردم را بدترین وضعیت دچار کردند (احسن) (دکتر نبوی - بسیار خوب نظامنامه است) مبارک جنابعالی باشد (غلامرضا فولادوند - از بر حرفی جلوگیری کردند) بنده عرایض زیادی دارم نسبت ببعضی از آقایان وزرا اعتراض دارم و مشروحاً مینویسم که اینجا در پیشگاه ملت ایران عرایض خودم را میگردم و چون مجلس شورای ملی خواست دنبال همان رویه را ادامه بدهد و مانع از حرف زدن یک نفر مخالف دولت شد بنده همینجا عرایضم را خاتمه می دهم و میدان را میدهم با آقایان موافقین

یک نفر از نمایندگان - حق با جنابعالی است

فرامرزی - اخطار نظامنامه ای دارم

نایب رئیس - طبع کدام ماده ؟

فرامرزی - از اول تا آخر نظامنامه

محمدعلی مسعودی - اینکه نمیشود آقا باید مادرا بخوانید

فرامرزی - آقا اخطار دارم . اخطار مقدم است .

نایب رئیس - آقای مهدی ارباب موافق هستند ؟ بفرمائید .

اسلامی - بنده پیشنهاد کردم - پیشنهاد بر همه چیز مقدم است .

نایب رئیس - خیلی متأسفم که آقایان وقتی اعلام رأی میشود با هم کلاویزند و گوش نمیدهند و بدهم اعتراض میکنند .

اسلامی - پیشنهاد بنده را بخوانید

نایب رئیس - آقا توجه کنید تشخیص این مطلب بامنشیان است که آیا رأیی که گرفته شده رد عده یا قبول شده و آقایان باتساق فرمودند که رد شده .

اسلامی - پیشنهاد بنده را قرائت بفرمائید

نایب رئیس - آخر برنامه مطرح شده دیگر پیشنهاد مورد ندارد . بفرمائید آقای ارباب

ارباب - بنده بنام فرا کسبون مستقل میخواستم عرایض بعنوان موافقت بادولت بکنم ولی حالاً نوبت خودم را بجناب آقای هامری واگذار میکنم

نایب رئیس - آقای هامری .

عامری - عرض کنم که بنده اسم نویسی نکرده بودم برای اینکه بعنوان موافق یا مخالف صحبت کنم و بنابراین چیزی هم ندارم که از روی آن عرایض بکنم ولی چون بعضی از آقایان و دوستان خواهش کردند که شما موافق هستید بنام موافق هم صحبت کنید گفتیم حاضریم ۳ نفر مخالف اسم نوشته اند و عده زیادی بعنوان موافق و بهترین موافقت بادولت اینست که موافقین کم حرف بزنند و فقط مخالفین صحبت خود را بکنند و رأی اعتماد گرفته بشود چون معلوم بود که اغلب از آقایان از وضع ناراضی بودند و در نتیجه بنظر آمد شخصی که از نقطه نظر تدبیر و توانایی و تجربیات و سابق و اطلاعات زیادی که در امور مملکتی دارد اگر امروز در رأس امور مملکت باشد بهتر است و مذاکراتی هم شده بود و آنچه که بنده شنیدم بیشتر افکار روی آقای منصور دور میزد و این شرایط را با ایشان تطبیق میکردند و بعد هم انتخاب شدند این انتخاب البته در قیاب مجلس و در موقع تعطیل رسمی مجلس بود و بنابراین تماس زیادی هم در آن موقع با مجلس میسر نبود و با وجود این بنده آنچه از خارج شنیدم - بنده نبودم ولی شنیدم از خارج که تا آنجا که میسر بوده تماس هم گرفته اند با نمایندگان معترتم مجلس شورای ملی و مجلس سنا بنابراین آن تماسی که اول تصور میرفت موجب تاسیس میسر نبود - دولت هم هنوز شروع بکاری نکرده است تا مخالفتی را ایجاد نماید و بگوئیم مخالفیم فقط آنوقت ممکن است کسی مخالفت بکند . که دولت شروع بکار کرده باشد و از حیث وزراء هم بنده وقتی که آقایان را نگاه می کنم روی همه رفته بنظر می آید که همه از اشخاص و وزین وطنپرست تمام معنی هستند بنده حالا نمیخواهم تعریف و تراز را بکنم خیال میکنم از حیث وزرا نیز اشکالی در کار نیست و از حیث خود آقای منصور هم هر چه قبل از آمدن ایشان اینجا صحبت میشد و افکار را رویهم میگذاشتند می گفتند يك کسی لازم است که آشنائی بوضعیات مملکت داشته باشد تدبیر هم داشته باشد جمع این شرائط را که مطالعه میکردند بهتر از آقای منصور پیدا نمیکردند (صحیح است) همین جهت پیش از آنکه ایشان هم تشریف بیاورزند یا از طرف اعلیحضرت همایونی فرمائی صادر شود بنده تصور میکردم که ایشان اکثریت تامی در مجلس دارند و تصور میکنم دلیل این موافقت اینست که با وضعی که پیدا شده است با این آشفتنگی اوضاع دنیا و وضع کشور بهتر اینست که مجلس شورای ملی و مجلس سنا به پیروی از منویات اعلیحضرت همایونی همه با هم با يك روح اتحاد و اتفاقی که بکنند ، کمتر حرف بزنیم و برنامه دولت را زود تر تمام ننوده تصویب بکنیم که دولت شروع بکار کند .

صفائی - آقا این حرفها در موقع طرح برنامه دولت آقای ساعد هم بود پس چرا آنوقت اینطور نکردید این چه تبیضی است ؟

عامری - آنوقت هم بنده همین نظر را داشتم ولی حالا گذشته است . شما و بنده نماینده مردم هستیم و ما بایستی که افکار مردم را در اینجا تمسک بکنیم و پیروی از افکار مردم بکنیم نظرشان اینطور آمده بود که آقای ساعد توانائی اینکار را ندارد و من وشما هم پیروی کردیم از افکار مردم و اس بنده وقتیکه ببینیم که اکثریت نمایندگان مردم نظرشان روی برهفته اینست که يك نفر آدم توانائی بیاید روی کار و نظریات خودشان را جمع کردند و این نظریات را با آقای منصور تطبیق کردند دیگر حالا که آمده اند ، حالا چه بکنیم؟ بنظر بنده بقول سعدی .

بگفت آدمی بهتر است از دواب

دواب از تو به که رنگوشی صواب

باید نخست وزیر تجربه داشته باشد و اینجا هم ما که نماینده افکار مردم هستیم مردم و افکار عمومی تشنه این هستند که از این وضع بلا تکلیفی نجات پیدا کنند و اگر همه ما انتظار داشته باشیم که آقایان معجز بکنند یا ما معجز بکنیم انتظار بیوده ای است ما هیچکدام مان نمیتوانیم معجز بکنیم و هبأت دولت هم نمیتواند ولی باید مجال داد ، وقت داد که دولت شروع بکار کند مثلاً است می گویند يك لا بود نمی رسید دولا کردیم که برسد ، حالا هفته ای سه روز دولت در مجلس شورای ملی حاضر شود هفته ای سه روز هم در مجلس سنا باید يك محلی هم داشته باشد که کار بکنند (صفائی - حتی يك مخالف هم حرف نزنند) چرا چرا بنده چنین نظری ندارم مخالف هم باید حرف خود را بزند دولت که نمیتواند در آئین نامه داخلی مجلس دخالت بکند . نظامنامه مربوط بخود ماست وضعیت هم اجازه نمیده که رأی بگیریم والا نظر دولت هم همین است که رأی بگیرند و مخالف صحبت بکنند ولی این آئین نامه مربوط بخود ماست و مربوط به دولت نیست (فرامرزی - رأی گرفتن برخلاف نظامنامه است) حالا اگر آقایان موافق باشند بنده میخواهم زیاد حرف بزنم چون آقای ارباب میخواهند حرف بزنند و نوبت خودشان را به بنده دادند و بنده چیزی حاضر نکرده ام ولی از نقطه نظر تذکر ممکن است که بنده تذکراتی بدهم . یکی از اوضاع بدی که برای مایش آمده این عدم توازن است که فعلاً در امور اقتصادی و بودجه کشور مشاهده میشود . بنده خاطر می آید و آقایان هم شاید بخاطر دارند که بعد از جنگ گذشته در فرانسه همین وضع پیش آمده بود و بخاطر می آید که مساعی زیادی بکار میبردند برای رفع آن و یکی از وزرای دارائی آمد و قوانین شدیدی هم از مجلس گرفتند ولی تأثیری در وضع نمی نمود بجز بجز وزیر دارائی آمد در پارلمان و گفت که هر چه از دست ما برمی آمد کردیم اما نمیدانم چه عوامل و دستهای مرموزی در کار هست که این اقدامات مؤثر واقع نمیشود یکی از علمای فرانسه شرحی نوشت که هیچ امر مرموزی در کار نیست ، شما اطلاع کافی ندارید دستهای مرموز را ببخود متمم میکنید من سه چیز بشما می گویم آنرا بکار به بندید وضع خوب میشود . اول توازن بودجه ثان را تأمین کنید ، دوم

باید سعی کند که صادرات را نسبت به واردات افزایش بدهد و سوم اینست که باید مزاحمت را از سرمایه بردارد ملاحظه فرمائید رفع مزاحمت از سرمایه بکنند چرا؟ برای اینکه اینکار در فرانسه را در آورد و این اختلاف موجب شده بود که در فرانسه سوبالیستها سفارشان را این فرار داده بودند، جنگ طبقاتی و مبارزه با سرمایه و جنگ طبقاتی اختلافی ایجاد کرده بود که در هر دو جنگ بزرگ بلافاصله فرانسه از پا درآمد مبارزه با سرمایه کاری کرده بود که همه سرمایه‌هاشان را از فرانسه بفارغ بردند این سه قسمت را باید در نظر گرفت ولی یک قسمت از چیزهایی که ما باید آنرا از بین ببریم این جنگ طبقاتی و مبارزه با سرمایه است و این را من آنچه که اصولاً می‌بینم و بنظرم می‌آید اینست که نیات تمام دستجات و احزاب در دنیا برای خودشان مقدس است بنده بقیه دستجات و احزاب احترام میگذارم تمام اینها یک مقصود را می‌خواهند بنده بنظرم می‌آید که کونیست و سوبالیست دموکرات و اینها همه شان یک چیز میخواهند و نیت همه بهبودی وضع کشور و رفاه و آسایش بوده است منتهی اینها در راهشان و در طریق وصول به مقصود اختلاف دارند یکی کونیست است که می‌گوید تمام دارائی را بگیریم و تقسیم کنیم بین مردم خوب اگر بیایم تمام دارائی را بگیریم و تقسیم کنیم یک عده تنبلند می‌خواهند سهم خود را بخورند تمام می‌کنند و یک عده دیگر هم آنرا بکار میانند از نو زیادش می‌کنند باز هم همین دهوا هست بعد فکر کردند گفتند هر ده سال یکبار این کار را میکنیم و یک رویه‌ای هم دولت امریکا اتخاذ کرده است و این بنظر من بهترین رویه است آمدند سرمایه‌ها را تشویق کردند کارخانجات بزرگ پیدا شد و وقتی کارخانجات بزرگ تشکیل شد آمدند گفتند نسبت بمنافی که میرید باید بکار گره‌ها هم بدهید و امروز میبینید که میگویند هر کارگر امریکائی هم دلاری یکدانه اتومبیل است ملاحظه فرمائید تمام چیزهایشان را قسطی می‌خرند مقصود همه هم یکی است همه میخواهند وضع منگشان وضع خوبی باشد و مردمشان در رفاه باشند و آسایش داشته باشند یکی این راه را پیش گرفته است و یکی دیگر آن را هر چیز دیگری که بنده بنظرم می‌آید و مصلحت نیست این مبارزه ای است که ما سرمایه میشود در اینجا قانون گذشت که مثلا کارخانجات سود صدی ۱۲ بپردازند بنده حرفی ندارم که آن را بگذارید صدی سی اما یک چاروا نشان میدهد که دولت بوظیفه خود در این خصوص عمل کرده باشد یک کارخانه‌چی را گرفته باشد و تصفیه کرده باشد اما اینجا یک بنی و گنه‌ای نیست سرمایه داران پیدا شده و خوشبختانه بنده چون سرمایه دار نیستم بر بنده چنی نیست ولی ما نباید کاری کنیم که این سرمایه دار هر روز پولی را که پیدا میکند بخرند بخرج باید کاری کرد که اینها تشویق بشوند کارخانجات بزرگ درست بکنند و همان نسبت ها قطار بیارند که نزد کارگران را اضافه بکنند و بکارگران کمک بکنند اما من بنظرم می‌آید آن

سه چیزی که گفتم وقتی بکار بستند فرانک فرانسه هم تثبیت شد و آقایان ملاحظه فرمودند که بیش از این قضیه هر روز فرانک فرانسه متزلزل بود. آن شخص نوشت که هیچ دست مرموزی در کار نیست شما این سه موضوع را بکار ببندید می‌بینید که دست مرموزی در کار نیست. یک چیز دیگری که میخواهم تذکر بدهم وضع بودجه است. بنده بنظرم می‌آید که متأسفانه یک وضعی پیش آمده است که این وضع بودجه ما را خراب کرده است. وقتی که قانون استخدام گذشت سی و دو تومان را برای مستخدم پایه حقوق گذاشته بودند. بنده آنوقت تازه وارد شده بودم و بنظرم می‌آید که حساب کرده بودند که مستخدم وقتی تازه وارد کار شد مادل ده لیره حقوق برایش کافی است آنوقت لیره هم از فرانسه تومان بود سی و دو تومان حقوق معین کردند. قانون استخدام بنظر بنده یک قانون بسیار خوبی بود اما هر کدام از وزرا که آمدند بنظر خود قسمتی از آن را تغییر دادند و کار را بجائی رساندند که بکلی آن را از اصول صحیح خود منصرف ساختند بنده بنوبه خود هم گفتم که بوم این تذکر را دادم که با تغییر قانون استخدام موجبات تشویق مستخدمین را بکلی از بین ببرند و این امر اشتباه بزرگی است رویه قانون استخدام ما این بود که کسیکه وارد خدمت میشد سی و دو تومان حقوق باو میدادند و وقتی که سه سال تمام کار کرد اگر استحقاق و ایالت و هایتی از خود نشان داد کمیونی تشکیل بشود کمیسیون شایستگی و استعفا شرا تشخیص میدهد وقتی که تشخیص داد این تشخیص تشخیص ترفیع او است مثل همه جای دنیا که رویه این است آنوقت برای مستحقین ترفیع تابلوئی درست میکنند اسمی آنها را بطور ترتیب و منظم روی تابلو مینویسند میگذارند در کارگرنی هر روز تخته‌ها و هر وقتی که جای خالی پیدا شد آن ترفیع را میدهند ولی آمدند قسمتهائی از این قانون را بهم زدند و حالا این را هم بنده بگویم که بنده نظری ندارم که مستخدمین را با خودم طرف بکنم البته این امر بفتح هم مستخدمین نیست ولی بفتح مستخدمین لایق است وقتی که بنا شد که کمیونیتهائی بیابند واقعا استحقاق اشخاص را تشخیص بدهند و با ترفیع بدهند در اینصورت البته مستخدم لایق را ترفیع میدهند و خود این امر تشویقی بود از اینها و ما یک اشتباه کردیم اولاً کمیونیتهای ترفیع و وظیفه شان را انجام ندادند آمدند روی فشار و توسل و درود بایستی در آخر هر سالی عده زیادی را پیشنهاد کردند و هر کسی یک سفارشی آورد جزء مستحقین ترفیع و آنوقت یکی از طرف بدبختی بودجه در این دولت این شده است که هر سال آمده اند بعضی عنوان ترفیعات و اضافات در بودجه گذاشته اند و با این ترتیب هر سال بخودی خود و بطور انوما بایشه باقی باید بر بودجه کشور اضافه شود. سابقاً ما چنین چیزی نداشتیم ملاحظه می‌کنیم که ما داشتیم با ماون اداره رتبه شش بود رئیس اداره رتبه ۱ بود و کسی که استحقاق ترفیع او تشخیص شده بود استحقاق آن تابلو صورت

ترقیعات می‌آمد و وقتی که رئیس اداره اش یک مقام بالا تری ترفیع پیدا میکرد یا فوت میکرد یا استعفا میداد و از کار کنار میرفت آنوقت آن شخص ترفیع پیدا میکرد و میرفت بجای بالاتر والا غیر از این میسر نبود بکس حالا هر سال باید یک مبلغ معینی در بودجه بگذارند بعنوان ترفیع. یک چیز دیگری هم پیش آمد و آن در ایام قدرت در کابینه آقای قوام السلطنه بود و آن تصویب نامه‌ای بود که آقایان مسبق هستند که گذراندند که هر کس هر چند سالی که بدون ترفیع مانده ترفیع بگیرد و بعضی دو تا سه تا و چهار تا و پنج تا رتبه گرفتند این بنظر بنده تمام موجبات تشویق مستخدمین خوب را از بین برده و حالا هر جائی که بروید اوضاع به همین منوال است. سابق بر این بودجه کشور را بدو قسمت تقسیم میکردیم مخارج مستمر و مخارج غیر مستمر مخارج مستمر را میگوئیم آنهایی است که تغییر نمیکند و همان حقوق مستخدمینی است که باید تا مین بشود ولی در مخارج غیر مستمر نهایت دقت را میکردیم یکی از چیزهایی هم که پیش آمده این رفیق بازیها است که در وزارتخانه‌ها پیدا شده مثلا یک خانه میسازم، مبالغی خرج میکنم یا فرض میکنم و بعد بهر وسیله که شده است افعال نفوذ میکنم که این خانه را ماهی چهار پنج هزار تومان برای فلان اداره کرایه کنند یک قسمتی از گرفتاری بودجه ما این جور چیزهاست مسئله دیگر قضیه تصفیه مستخدمین است بنده طرفدار آن طرز تصفیه‌ای که بعضی از آقایان تصور کردند نیست بنده کمتر حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شده ام لیکن نیت اعلیحضرت همایونی را از دور میدانم که اگر اوامر راجع به تصفیه وزارتخانه‌ها فرمودند نیت بسیار عالی و پاک داشته اند و آن نیت که اگر این نهمتی که امروز در این مملکت هست و همه افراد مستخدمین را راشی و مرتشی معرفی میکنند در داخله کسی با آنها اطمینان میکند که نزدیک ادارات بشود و این بسیار برای مملکت مضر است و نه از خارج کسی میگذارد سرمایه‌اش باین کشور بیاید پس ما این کار را باید شروع کنیم تا این نهمت را از عهده زیادی برداریم برای این بود که هبات تصفیه با عمل خود بفهاند که وضع مملکت این طور نیست که تصور میکنید و همه را موهون میسازید و این طریق تصفیه هم که بفهاند عده زیادی از مستخدمین را بیکار کند صلاح مملکت نیست و بالاخره منتج باین نتیجه شد که ملاحظه فرمودید که در این قسمت به چه وجهی من الوجوه حکاری نشده است و پیشرفتی حاصل نگشته

آیا این تصفیه است؟ که فلان اداره را منحل بکنیم و بعد امثالش را با ادارات دیگر تقسیم کنیم از حقوقش هم نگاهیم؟ هیچ لازم نبود این کار را بکنید بنظر بنده اگر میخواهند این کار را بکنند یک ادارات زائدی ما داشتیم باید آنها را حذف میکردیم من خودم در وزارت دادگستری یاد دارم که ما هیچ بازرس نداشتیم هر وقت یک بازرس پیش می‌آمد اداره صلاحیت دار رجوع میکردند اگر بازرس راجع بکارگرنی بود یکی از امضاء آنها

را انتخاب میکردیم و اگر مربوط بحسابداری بود یکی از امضاء حسابداری را معین میکردیم میگفتیم برو بازرسی کن و این بهتر بود برای اینکه این شخص وارد بود ولی یک وقتی یک چیزی پیش آمد که بدو نفر میخواستند کار بدهند که اینها یک کار آکتیف هم نداشته باشند. یک وزیر آمد گفت من شمارا بعنوان بازرس تعیین میکنم بعد یکی شد دو تا و تا شده تا سه تا چهار تا چهار تا پنج تا پنج تا شش تا ده تا خوب دیدم هم بودند گاهی میشد که یک آدم فاسدی با اعمال نفوذ آمده کار رئیس اداره را میگرفت و رئیس اداره هم چون تقصیری نداشت او را بعنوان بازرس تعیین میکردند بعد ما بازرسی شد اداره بازرسی و اداره کل بازرسی بنده مدتی بود از عدلیه کنستار رفته بسووم و وقتی ملتفت شدم که مدیر کل نیت را برداشته اند به وزارت خانه منتقل کرده اند پرسیدم کجا؟ گفتند بازرس کل داخلی چون ما بازرس داخلی نداشتیم تحقیق کردم دیدم یک بازرسی کل داخلی در عدلیه درست کرده اند برای تقیض این نقشش را من خودم چون چندین سال در وزارت دادگستری در موقعیکه رئیس کارگرنی بودم یک پیشخدمتی داشتم میرزا علی اکبر (صاحب جمع - خدا بیامرز) آنچه که بنده دارم عرض می‌کنم عین حقیقت است. باین میرزا علی اکبر ما پنج تومان اضافه میدادیم. این میرزا علی اکبر کارش چه بود؟ صبح دفتر معاکم را بر میداشت میرفت آنجا می‌ایستاد. قضات تا یک ربع بعد از وقت مقرر فرجه داشتند که دفتر را امضاء کنند بعضی اینکه مدت فرجه منقضی میشد دفتر را جمع میکرد می‌آورد در کارگرنی جلو اسم آنها را خط میزد و ما فقط ۵ تومان فوق‌العاده باو میدادیم و تا وقتی که بنده در کارگرنی بودم یکمرتبه یا دو مرتبه شکایت از این میرزا علی اکبر شد و وقتی که پرسیدیم معلوم شد بعد از آنکه میرزا علی اکبر دفتر را جمع کرده است شاکمی تازه از در وارد شده و تقاضا داشته است که میرزا علی اکبر دفتر را برگرداند تا آن را امضاء نماید میرزا علی اکبر با این امر موافقت ننموده است بعد کار بجائی رسید که بنده دیدم برای کاری که میرزا علی اکبر پیشخدمت با ۵ تومان اضافه انجام میداد برای این کار یک اداره کل بازرسی وزارت دادگستری تشکیل شده و مدیر کل نیت را هم برداشته اند آنجا گذاشته اند در یک وزارتخانه بازرس کل قضائی هست. بازرس کل کشور است نماینده بازرسی کل داخله دارد اینها را بدون اینکه بخوایم توجیهی بکنیم بنظر من همان قانونیکه گذشت از کمیسیون دادگستری آن قانون قانون بسیاری بود اما چه کنیم جز از تبعیت رای اکثریت چاره نیست رای میگیرند و رای میدهند و تمام مستخدمین را باین ترتیب بنظر بنده بیخود و بیجهت رنجاندند آخر ما که نیاید از برای اعلیحضرت همایونی دشمنی درست بکنیم. ما باید کاری بکنیم که همان نظری که اعلیحضرت همایونی دارند همه مردم بخشنود و آسایش داشته باشند. البته همه مردم انکاشان با اعلیحضرت

همایونی است و همه اینطور هستند و گمان نمیکنم کسی غیر از این باشد اما بیخود که ما نباید بیاییم مستخدمین دولت را برنجانیم برداشتند مستخدمین را بسه دست تقسیم کردند الف و ب و ج و آنهایی هستند که فاسدند بیخود که نشود گفت یک عده‌ای فاسدند ملاحظه فرمائید خودشان یک کاری کردند و در آن درماندند ممکن است ادارات زائد را منحل کنند مثلا بازرسیها را منحل نمایند یک ماده بیارند تا وقتی که کار دیگری به امضاء آن رجوع نشده است حقوق خود را بگیرند. چون مطابق قانون محاسبات عمومی حقوق در مقابل خدمت باید داده شود همه هم راضی خواهند بود و الا بنده که یک بازرس هستم میروم توی خانام می نشینم و حقوق را میگیرم وضعم از کسی که خدمت میکند بهتر است مگر اینکه یک دزدیهائی داشته باشم و الا دلیل ندارد که بنده در خانام بنشینم و حقوق خودم را بگیرم و ناراضی باشم. یک موضوع دیگر این عماراتی است که شما اجاره کرده‌اید و مبالغ گزافی باین هادرمه مال الاجاره میدهید اگر اینها را تخلیه کنید و دیگر پول اجاره ندهید یک کمک بزرگی به بودجه مملکت کرده‌اید. یک چیز دیگر که باید حتماً در باره آن فکری بشود همان قضیه ترفیعات است که مستخدم باید بدانند اگر لیاقت و شایستگی از خود نشان داد ترفیع می‌یابد آقای دکتر امینی شاهد بودند وقتی که آن تصویب نامه از دولت آقای قوام السلطنه گذشت من نگران شدم آخر یک وقتی میگویند که نرخ زندگی گران شده است هیچ حرفی نیست بنده موافقم که صدی سی گران شده است صدی سی، صدی چهل گران شده است صدی چهل اضافه داد اما یک چیز موقتی است و هر وقت زندگی ارزان شد بهمان نسبت پائین می‌آید اما وقتی شما آمدید گفتید همه را ترفیع بدهید برای اینکه نرخ زندگی بالا رفته است صرف نظر از قانون استخدام بنده تعجب میکنم چطور وزیر دارائی ممکن است با آن موافقت بکند برای اینکه نسبت وزیر ممکن است کمتر اطلاع داشته باشد وقت هم نداشته باشد اما شخص وزیر دارائی که آنجا نشسته چطور قبول میکند بنظر من که یک فرد این مملکت هستم این عملیات خیانت در امانت است و البته این پول که آنجاست مال من نیست مال این مملکت است مال مردم بیچاره است ما خیانت میکنیم باین مملکت بنده در دادگستری که بودم یک منشی داشتم مدعی بود که ۶۰ سال است در عدلیه منشی است گفتم تو که ۶۰ سال نداری گفت پدرم منشی بود اما پدرم این بدبخت بی استعداد بود که بهر محکمه‌ای او را فرستادیم برش گرداندند بالاخره این را فرستادیم بشعبه دوم چون رئیس شعبه آدم مظلومی بود گفتم که او را تحمل میکند یکروز که وقت تمام شده بود بنده میرفتم دیدم این رئیس شعبه بدبخت این منشی را نشانده است و کله بکله دارد پلو میگوید در خصوص دو سال دعوی ۵۰۰۰۰ باین ترتیب بعد از چهل سال منشیگری حرف بعرف آنرا یاد آوری میکرد

و میگفت خلاصه ما نمیتوانستیم به چه وجه این را ترفیعی بدهیم ولی در قسمت حقوق پنجاه در صد فوق‌العاده بودادیم. آنوقت باین منشی رتبه ۹ دادند و یک بیچاره‌ای هم که استعفا داد که کار کرده و معلومات دارد او هم همینطور خوب این چه تقویقی است؟ یکی از چیزهایی که باید حتماً بآن توجه کرد این قانون استخدام است برای اینکه هیچ تشویقی نمانده در مملکت و یکی هم قسمت بودجه حقوق مستخدمین است در این وضعی که امروز در مملکت پیدا شده اگر واقعا ماده ای لازم است بیارند بنده خیال میکنم که همه مجلس موافقت که آن را فوراً تصویب کنند و الا این ترتیبی که الان پیش آمده بنظر بنده به چه وجه خوب نیست بهترین تشکیلات در هر مملکتی ساده ترین آنست تشکیلات خوب تشکیلات ساده‌ای است که در دست رس مردم باشد. مثلا در وزارت دارائی با این سازمان وسیع وقتی که بنده میروم نمیدانم به کی مراجعه بکنم و نمیدانم و کلین من چطور ممکن است اگر کاری داشته باشند مراجعه نمایند و راه خود را پیدا کنند اطاقهای بالای وزارت دارائی را میگویند خالی است و یا یک اطاق را یک میز گذاشته اند و یک نفر توی نشسته است اما هر جا آدم می‌رود می‌بیند که یک خانه است و یک تابلو در بالای آن زده اند برای ادارات مختلف دارائی، الان صدها خانه در اجاره است هر سوراخی که آدم می‌رود یک تابلو است. محاسبات کل اداره کل خوب این خانه را تخلیه کنید و بآن وزارت خانه منتقل کنید اگر ما بیاییم در بودجه مستمر جلوا این اصراف و تبذیرها را بگیریم بنده بنظرم می‌آید که ما بتوانیم بکلی این بودجه را توازن بدهیم از توازن که گذشتیم همان حرفی که یکی از معلمین در مقابل آن وزیر دارائی گفته بود بعد هم بپردازیم بکارهای اقتصادیان که خوشبختانه بعضی از آقایان می‌گفتند که ما یک مشکل داریم و آن داشتن یک سازمان برنامه است در فوق وزارتخانه‌ها که خوشبختانه آن مشکل هم حل شده و دولت سازمان برنامه هر دو در یکست جمع شده و این مشکرا هم چون خودشان آنجا هستند حل میکنند بنده بنده دیگر امنیت قضائی است عرض کنم آنجا که بنده اطلاع دارم امنیت قضائی به چه وجه من اوجومتر این مملکت نیست این هم به قانون درست می‌شود یک وقتی بنظر بنده می‌آید که یک وزرائی می‌آیند در عدلیه بسهم میخواستند یک چیزهایی از خود بشنوند بنده میگفتم عدلیه قانون ندارد آنوقت میبختند تا نو بعد از ظهر مع که می‌گردد و از سه بعد ظهر هم می‌آمده کمیسیون تشکیل می‌دادند نصف شب تمام قوانین را سرودشتند می‌شکستند و برای خوش آینه وزیر ۷۰۰۰ مده قانون جدید برای عدلیه تهیه میشد.

نایب رئیس - آقای عمری سه دقیقه از وقت ش بیشتر نمانده است.
عمری - بسیار خوب آنوقت هم حضور من در سبزه که قانون یک گزینی دارد و این گزینی است

نوامی تقسیم می شود شما اگر آمدید چند ماده آن را تغییر دادید این اصلاح اصلاً با سایر مواد ممکن است تطبیق نکند همین امر باعث می شود که می دست بقوانین میزند. بلكه موضوع دیگر موضوع توقیف بی مورد مردم است این را ماباید از سرمان دور بکنیم و با قوانین مملکت نباید بازی کنیم آزادی مردم رایجست از آنها بگیریم این را نتوانستیم بفهمیم که در موضوع اتهامی نباید بیست نفر، پنجاه نفر را توقیف کرد تا مگر از این آنها متهم حقیقی بدست آید مطابق ماده ۲۰۰ و ۲۰۱ اصول معاکمات جزائی حتی احضار مردم هم باید مستند بدلیل باشند در خانه نام نشسته نام مستعلق حق ندارد بدون جهت مراجع احضار بکند آنوقت حالا صدها نفر مردم را میبرند توقیف میکنند برای چه؟ این فلت است جرم برود قسم است یکی جرم مشهود است که در حین ارتکاب مرتکب را دستگیر میکنند دلیل آن همان صورت مجلس است که تنظیم میشود دیگر جرم غیر مشهود است مثلاً شب خانه آقا زاده اند و کسی هم نمیدانند دزد کیست فایده و فلسفه پلیس مخفی اینست که در اطراف اشخاص مظنون بطور مخفی آنها را میگرداند و بعضی اینکه دلائلی آورد قضیه را تعقیب میکنند و با توقیف متهم بموجب قانون اساسی و قانون اصول معاکمات جزا مستعلق میتواند در ظرف ۲۴ ساعت علت توقیف را بمتهم اعلام نماید این که وضع نیست کار عدلیه با قانون درست میشود باید وزیر عدلیه مراقبت تام و تمام داشته باشد و البته مراقبت ممکن است يك كاری بکند والا می قانون بگذرد و در قوانین موجود دست بیرند فایده ندارد والا یکی از سوابق بدکار این است که هر کسی که می آید در لغزش اینست که میگوید بنده بسلفه خود يك قانون آوردم گذراندم در صورتی که باید يك مدتی این قوانین را در دستش نزنیم بگذاریم مردم آشنا باین قوانین بشوند مثلاً همین اسامی معاکم را که تغییر دادند يك مدتی مردم اشکال داشتند تا بفهمند مقصود از معاکم استان معاکم شهرستان و دیوان کشور چیست تا چه رسد بتمام قوانین بنده خیلی فکر میخواهم چون چیزی قبلاً تهیه نکرده بودم و بنا نبود بنده امروز چیزی عرض کنم

اسلامی - بنده طبق ماده ۱۰۰ اختصار دارم اجازه بفرمائید توضیح بدهم

نایب رئیس - اجازه بفرمائید ماده ۱۰۰ آیین نامه قرائت میشود:

ماده ۱۰۰ - نتیجه رأی باقیام و قه در امینیه تشخیص میدهد و رئیس طبق آن اعلام مینماید هر گاه نتیجه در دفعه اول مشکوک بود باور قه رأی گرفته میشود در این صورت در فاصله بین اخذ رأی دفعه اول و دوم کسی حق نطق ندارد مگر مورد اختصار نظامنامه ای.

نایب رئیس - آقای اسلامی دیگر توضیحی ندارد؟

اسلامی - اجازه بفرمائید بنده توضیح بدهم بنده توضیح میدهم ملاحظه بفرمائید اگر توضیح درست نبود اعتراض بفرمائید.

نایب رئیس - پس مختصر بفرمائید.

اسلامی - عرض کنم بقیه بنده دولت در اینجا رأی حسابی دارد موافق هم زیاد دارد ولی مثل اینکه موافقت هم مثل سایر چیزها تصاری شده بقیه بنده این بشر دولت تمام میشود زیرا بنده الان می بینم آنها بیکه موافق هستند از این جریان خیلی نگران و افسرده هستند اینجا ماده ۱۰۰ متذکر است که اگر موقع رأی شك ایجاد شود بنده نمی دانم مشکوک بودن یعنی چه هدای میگویند رأی گرفته نشده عدلهای میگویند گرفته شده ای میگویند تصویب نشد و عدلهای میگویند تصویب شد بنابر این رأی مشکوک است بنده خیال میکنم بهتر این است که آقای رئیس اجازه بفرمائید مخالفین دو سه نفر بیشتر مخالف اسم نوشته اند تازه سه دو ساعت میشود شش ساعت نه اینکه مثل دوره یازدهم سی روز صحبت بشود و نه اینکه مثل این دوره افکار را ترور بکنند بنده خودم جزء موافقین دولت هستم و رفقا هم موافق هستند ولی حرفی که هست باید گذاشت آقا حرف زده شده زیرا جلو گیری آن ضرر مملکت است بنده پیشنهاد کرده بودم یکساعت ونیم بشود که مخالفین هم حرفهایشان را بزنند پیشنهاد از همه چیز مقدم است ولی جناب رئیس توجه فرمودند استدعا میکنم به پیشنهاد بنده که از همه زودتر کرده بودم توجه بفرمائید رأی گرفته شد اگر رد شد حرفی ندارم اصول باید رعایت شود یا رد میشود یا تصویب میشود.

نایب رئیس - توجه بفرمائید در همان ماده میگوید اگر مشکوک شد راجع باعلام و اخذ رأی مابین آقایان منشیان هیچگونه اختلاف نظر نیست همه شان موافقت کرده رأی گرفتیم و رد شد باوجود این بعد از صحبت آقای نخست وزیر دوسه تا پیشنهاد راجع باین موضوع رسیده است مطرح میکنم اگر آقایان رأی دادند قبول است و اجرا میشود اگر رأی ندادند همان رأی اول صحیح خواهد بود آقای نخست وزیر بفرمائید.

نخست وزیر - چون مخالفی صحبت نکرد البته مورد نداشت که من حرفی بزنم ولی چون در ضمن صحبتها می شد بعضی از آقایان در باب مدت نطق اختلاف نظری داشتند بیک قدری خود این اختلاف اسباب تعویق کار شد اگر چه این امر کاملاً مربوط با امور داخلی مجلس است و بدولت مربوط نیست (صحیح است).

ولی بنده چون اساساً عقیده دارم که همه امور با وحدت نظر بشود (احسن) از طرف دیگر ما و مجلس هیچ فرقی نداریم جز اینکه وظایف مختلف داریم وظیفه اصلی همه ما یکی است و آن خدمت بمملکت است ایجاد وحدت نظری و یگانگی در کارها است (صحیح است) (میخواهم عرض بکنم آنچه بنده هستم و رفقای دولتی بنده همه تسلیم هستیم بحق و قانون و هیچ نمیخواهم زیاده روی بشود یا از حقوق هیچکس کسر گذاشته بشود آنچه برنامه ما هست برنامه واضح و روشنی است که از صمیم قلب این افتاد را داریم و دفاع می کنیم بنا بر این دولت و شخص بنده هیچ وجه نمیخواهد اسامی که در صحبت بشود اگر نظریاتی

هست اگر بحث و مطالعه ای هست برای آنها کاملاً موافق هستیم بنا بر این بنده گرچه باز عرض میکنم این امر از امور داخلی مجلس است و من نمی توانم در این مورد حرف بزنم اما برای اینکه میخواهم از ابتدای کار يك زمینه وحدت و اتفاق نظر در تمام امور باشد این را فقط از راه مصلحت اندیشی عرض می کنم تصور می کنم البته با تصویب خود مجلس و تشخیصی که هیئت رئیسه می دهند اگر جای این باشد که حرف هم بیشتر زده بشود مدت حرف زیادتر باشد هیچگونه حرفی نداریم یعنی نمی توانم حرفی هم داشته باشیم و بیبیل هم نیستیم که صحبت بشود اگر نظریاتی هست بفرمائید و باز از راه ایجاد حسن تفاهم برای این منظور عرض می کنم که اگر صلاح بداند آقایان هم خسته هستند اینهم بسته بنظر ریاست مجلس است يك چند دقیقه تنفس بدهند آقایان هم رفع خستگیشان بشود بعد بیائیم بمجلس و بنده شخصاً مایل هستم آقای آشتیانی زاده که مخالف اول هستند و بواسطه اختلاف نظر صحبتشان را ترك کردند مخصوصاً از مقام ریاست هم تمنا می کنم ایشان را هم دعوت بکنند بصحبت کردن که هر مطلبی دارند اظهار بکنند ما هم حاضر هستیم که با کمال صمیمیت صحبت بکنیم یعنی تبادل نظر بکنیم صحبت اینجا که دعوی نیست هر کسی حرفی دارد مال مملکت است و همه متعلق با بنده مملکت هستند باید حرفهایشان را بزنند حقیقت گفته شود تا از این بحث و مطالعه بالاخره حقایق اصلی بدست بیاید و آن زمینه مشی و عمل ما باشد (احسن، احسن)

نایب رئیس - برای اینکه نظر بکنم از همکاران محترم هم تأمین بشود همانطور که فرمودید این امر از وظایف حتی مجلس است بنا بر این یکی از پیشنهاداتی که رسیده آقای صدر زاده قرائت می فرمائید و راجع بیکي از آنها که یکساعت ونیم پیشنهاد شده رأی می گیریم اگر تصویب شد البته مجری خواهد بود و الا هیچ.

(پیشنهاد آقای صدر زاده شرح زیر خوانده شد) ریاست محترم مجلس شورای ملی، پیشنهاد میکنم مدت نطق در برنامه دولت یکساعت و نیم معین شود.

دکتر معظمی - این پیشنهاد قابل رأی نیست من اختصار دارم.

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد می کنم نیم ساعت بر مدت نطق افزوده شود که مدت نطق یکساعت شود.

دکتر معظمی - نسبت باین پیشنهاد بنده اختصار نظامنامه ای دارم.

نایب رئیس - بفرمائید.

دکتر معظمی - عرض کنم این موضوع در مجلس اشتباه شده است راجع بدت اول این قبیل پیشنهادات بایستی راجع بهر ناطق جدا گانه باشد چون ممکن است مجلس شورای ملی بخواهد يك ناطق را اجازه بدهد دو ساعت حرف بزند و علاوه

چون این پیشنهاد يك ماده آیین نامه را کاملاً تغییر می دهد قابل طرح نیست بنا بر این ناطق که صحبت می کند باید در ظرف زمانی که نظامنامه تعیین کرده است اول صحبت بکنند بعد بیساعتش که تمام شد يك پیشنهادی بشود که مدت نطق آن ناطق معین یکساعت یا بیشتر پس از نیمساعت باز ادامه پیدا بکند که این ناطق معین صحبتش یکساعت باشد یا دو ساعت باشد الا قبلاً بدون توجه بناطق و مدت نطق اینجا نیست و يك ماده آیین نامه را بکلی تغییر داد (یکي از نمایندگان این عمل شد در دوره ۱۰) هر عدلی که برخلاف نظامنامه بشود قانون نیست برای تغییر ماده نظامنامه باید ۱۰ نفر امضاء بکنند بعد مطرح بشود مجلس رأی بدهد اینهم صلاح مجلس است چرا؟ برای اینکه ممکن است يك اصول کلی در تحت يك احساسات یا عصبانیتی بکلی عوض بشود این است که خواهش میکنم فعلاً تنفس داده بشود بعد آقای آشتیانی زاده بیایند صحبت بکنند پس از اینکه نیمساعت ایشان تمام شد بعد رأی گرفته شود که نیمساعت یا یکساعت دیگر بدت نطق ایشان اضافه بشود.

نایب رئیس - راجع باین مطلب مثل این است که نظامنامه تصریح دارد و راجع بيك نطق نیست و عمل هم شده است آیین نامه مدت نطق گفته است نه مدت نطق بيك ناطق دوباره آن ماده خوانده میشود (شرح زیر خوانده شد)

بند ۸۹ از ماده ۸۹ در موارد استثنائی ممکن است مدت نطق در موارد فوق برای مجلس اضافه شود ولی این رأی بدون مذاکره بعمل می آید.

نایب رئیس - بنا بر این آقایان توجه بفرمائید راجع به پیشنهادی که رسیده که مدت نطق یکساعت و نیم باشد رأی میگیریم آقایانی که موافق هستند که مدت نطق راجع به برنامه برای موافقین و مخالفین یکساعت و نیم باشد قیام فرمائید (عده قلیلی برخاستند) تصویب نشد.

کشاورز صدر - نیم ساعت مال بنده را طرح بفرمائید.

نایب رئیس - تقاضای ده دقیقه تنفس شده اگر موافقت بفرمائید ده دقیقه تنفس داده شود.

(ساعت یازده و ده دقیقه جلسه بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً ۲۰ دقیقه لیل از ظهر ریاست آقای کنجی (نایب رئیس) تشکیل گردید.

نایب رئیس - آقای رضوی.

رضوی شیرازی - همه آقایان همکاران که در ادوار مختلف با بنده همکاری کرده اند میدانند که من نوعاً اهل مخالف خوانی و ماجراجویی نیستم (صحیح است) و در قسمت این برنامه هم اگر اسم خودم را در لیست مخالف نوشته ام چنانچه توضیح دادم البته ملاحظه فرمودند مخالفت با مواد برنامه را در نظر داشتیم آنهم چون هر صه تنگ بود کلمه دیگری که بتواند منظور بنده را تأمین کند نبود... (آشتیانی زاده مخالفت یعنی ماجراجویی) (صفاقی)

پس موافق مشروط هستید) اجازه بدهید توضیح عرض کنم اگر ابهامی بود بعد توضیح میدهم منظور بنده باصلاح يك تبدیل وضعی در برنامه بود که يك موادی که لازم است ويك کارهای اساسی که واجبتر و لازم است اینها جنبه تقدم پیدا بکنند ويك قسمتهای دیگری اضافه بشود یا کسر بشود و این را در آیین نامه ما اسم خاصی برایش نگذاشته اند از این جهت است که برای گفتگوی در چنین مورد فقط عنوان مخالف میتوان بکار برد و پس و حالا البته اگر منظور این بود که من حتماً با يك شدتی مخالفت رسمی لازم داشته باشد بکنم و با يك حمله ای وارد کار بشوم البته بآن معنی بنده مخالف نیستم ولی با برنامه از این نظر مخالفت داشتم موضوع این است که آقایان برنامه هائی که سابقاً از طرف دولتها بمجلس تقدیم شده همه ملاحظه بفرمائید يك نواخت و يك جور و غالباً بصورتی بود که اگر میشد بيك کسی دستور داده بشود که يك برنامه ای برای اصلاح طلبی نوشته شود ایده آل اصلاح طلبان چیست؟ آن برنامه ها البته میتوانست جوابی برایش باشد و این صورت اگر انجام میگرفت مملکت یکستان میشد ولی بعد از اول اصلاً خود آقایان وزیران و مأمورین بالمره برنامه ها را فراموش میکردند و تا آخر دوره هم دیگر در این باب بحثی نمیشد و مجدداً هم اگر يك دولتی می آمد باز همانرا با يك تبدیل وضعی بر میداشت و می آورد البته دولت حاضر این نکته را مورد رعایت قرار داده و اصولاً آن مطالب عالی و ایده آلی را گذاشته اند کنار و در مقدمه هم ذکر کرده است که ما منظورمان این است که مطالب و موادی را که در وضع حاضر کشور مورد چاچو و ابتلا است در آن قسمت وارد کار بشویم و آن مواد را پیشنهاد بکنیم و در پیرامون آن مشغول فعالیت بشویم این مطلب بسیار صحیح و درستی است که لازم است مورد توجه قرار بگیرد زیرا تا وقتی که نواقض موجود است و کسری ها رفع نشده است اساساً وارد شدن در اینکه يك مطالب عالیتری و مهمتری را پایه اش را بگذارید تصدیق میفرمائید باینکه بی نتیجه خواهد بود مثل آنچه که تاکنون بوده است نواقض روی همدیگر انباشته میشود و بالاخره هر طرف که انسان نگاه بکند جز يك مقدار امور ناقص و يك مقدار امور بایر و خراب چیز دیگری در پیرامونش نمی بیند چنانکه امروز وضع حاضر ماعیناً همینطور است ولی در عین حال همانطوریکه با همین مقدمه ای که دولت ذکر کرده مواد برنامه خوب بوده بصورتی تنظیم میشد که باره ای از امور که يك قدری در وضع حاضر هم دارای اهمیت بیشتری است زود تر و در مرحله اولیت والویت قرار میگرفت و دولت برای اینکار زودتر شروع میکرد چنانکه بنده در جلسه پیش در این جا خدمت همکاران عرض کردم در این سفری که بنده بفارس کردم وضعیت بیکاری مردم را بصورتی دیدم که اوضاع را واقعاً دردم و بر هم کرده که اصلاً بقیه بنده مادامی که هر دستهای هر دولتی هر حکومتی يك فکری برای این مردم نکند وارد شدن در هر عمل دیگری ممکن نیست

بمقیه بنده منتج نتیجه بشود (صحیح است) بنده فکر می کردم البته که وضعیت فارس مخصوصاً از نظر يك گرفتاریهای مخصوصی که داشته است و بلكه توجهی که در این ادوار اخیر باو نشده باینصورت در آمده است تصادف حکم در این ایام فروردین بطرف شمال رفتن بنده تعجب کردم دیدم در آنجا هم همین مطلب صدق میکند الان هم چنانچه همکاران محترم ملاحظه فرمودند در سایر قسمتها هم بیست شش بنابر این اگر این مطالب مهم را در درجه اول مورد توجه قرار ندهند و در پیرامون آن يك فعالیت بسزائی که واقعاً تا حدی خاطر همه طبقات را آرام و راحت نکند وارد شدن در هر کار دیگری نتیجه خواهد بود (آشتیانی زاده - این تریبون الان حق بنده است آقایان آمدند بیرون بنده اظهار کردند که بر گردید و حرف بزنید) حالا هم میخواهد صحبت کنید بفرمائید

نایب رئیس - آقای آشتیانی زاده بفرمائید بنشینید ترتیبی میدهم.

رضوی - بفرمائید حالا هم بنده حاضرم.

آشتیانی زاده - الان اگر میفرمائید اجازه بدهید بنده حرف بزنم چون حق بنده است بنده در شب اینجا بوده ام.

نایب رئیس - آقای آشتیانی زاده بفرمائید بنشینید بعد بیاید صحبت کنید نطق ناطق را که نمیشود قطع کرد.

آشتیانی زاده - همین دلیل با قلب اعتبار نامه نمیدهند که بیایند اینجا حرف بزنند.

نایب رئیس آقای رضوی بفرمائید.

رضوی - بهر صورت عرض بنده این بود که دو مطلب مهم بنظر من در کشور اولیت دارد که مادامی که از برای آنها اقدامی نشود بنظر بنده هیچ گونه اقدامی در باره امور دیگر یا نمیشود کرد یا اگر بشود منتج نتیجه مطلوبی نخواهد رسید یکی بانطوریکه عرض کردم بنده هر وقت قیافه های رنجور و بیمار را در فارس میدیدم حس میکردم باینکه این جوانانی شایسته بوده اند از برای اینکه خدمات بسیار مهمی از وجود آنها بر خواسته شود ولی اینها امروز با نهایت اضطراب از زندگانی خودشان بیزار و صورت ظاهرشان بسیار آشفته و در عین حال می آمدند و مکرر اظهار میکردند که کمالیته در ازدیاد عائله و گرفتن عیال و اینها می توانیم خوداری بکنیم اما بالاخره مادر و خواهر بيك موجوداتی هستند که بالاخره روز کار بگردن ما انداخته است متأسفانه و با نداشتن کار امکان این عمل برای ما مقدور نیست چکار کنیم؟ اگر البته آمده بودند میز و صندلی میخواستند میشد با آنها جواب گفت ولی افرادی که وضعیتشان اینجور باشد بنظر بنده در هر مقامی و در هر جایی برای اینکه در اطرافش بحث بکنند بدون اینکه يك فکری بحال این افراد شده باشد هر قدر اصلاح در سایر شئون شده باشد بنظر بنده فایده ندارد موضوع دیگری که جلب توجه بنده را کرده بود این است که مملکت ما هنوز هم گفتگو میشود که ملکی است فلاحتی و واقعاً هم باین اراضی وسیع و پهناور این کیفیت که هنوز هم ادامه دارد املاک متعددی

کدر پیرامون هر شهر و شهرستان از سابق - بوسیله ایجاد قناات و کارزارها ایجاد کرده اند اقتصاد دارد که اگر بایک متد اصل بهتری کار بگریان بیفتد ما از نظر مواد فلاحی بجای اینکه کمتر داشته باشیم صادرات هم داشته باشیم متأسفانه خطری که بنده مشاهده میکنم در این دوسه سال اخیر هر سال مبینم فریاد گندم که ماده اول حیاتی است از اغلب شهرستان ها بلند است انگار نمیشود کرد باینکه قهر طبیعت گاهی بواسطه نیامدن باران - آفات ارضی و سماری موجب بشود باینکه محصول کم باشد و موجب بشود باینکه یک قدری هم از خارج کک بگیرند اما یک مملکت فلاحی معنی اش این است که با این اراضی وسیع اگر بایک اصول مرتب و منظم تری مشغول فعالیت و کار بشوند بطوری باید باشد که بتواند لااقل باندازه خوراک یکسال محصول داشته باشد دوم این است که لااقل هر ناحیه ای بتواند بنا به دیگری کمک بکند و بنده تعجب کردم که بجز در این که یکسال یک کمی محصول کم شده ملاحظه میفرمائید که یکمقدار هنگفت گندم باید از خارج تهیه کنیم و واقعاً برای مملکت ما خیال میکنم از این حیث برایش ناگوار باشد کاین را از خارج وارد بکنیم و مبلغ هنگفتی در این بابت دومرتبه بمقدار وارداتی که پولهای هنگفتی صرفش میشد اینهم اضافه بشود این بود که خواستیم توجه دولت را جلب بکنیم کدر برنامه این قسمت قابل توجه میرمی است و برای اینکه خوراک روزانه مردم است توجه بیشتری بشود یعنی بطور کلی بالغتصوم موضوع گندم و جو و برنج اینها را باید بسنجند که بالاخره در این مملکت اصلاحت کم بودیش چیست زیرا اگر واقماً شما تصور کنید موضوع باران نیامدن باشد خوب باید یکسال این طور باشد و ممکن است اساساً در اصلاح بندر یا پیدا کردن یک شرایط مساعدتری و آسان تری یا الزام کردن باینکه اصلاحت بیشتر بشود بطور کلی اموری که موجب شود که انسان از نظر خوراک اولیه خودش مجبور نشود که از خارج وارد بکند بنابراین نظر بنده این بوده که این نکات در قسمت اولیه باید فراد داده باشد ولی بقیه مواد بطور کلی البته تمام مواد است که اگر خدا بخواهد واقماً تمام وقت و حواس دولت مصروف کار کردن بشود انشاء الله امید وار هستیم که مواد دست بسیار خوب و مطلوب ولی یک تذکر اصلی که بنده باید در این موقع که مجال گفتار پیدا کرده ام عرض کنم این است که ما متأسفانه در موقعی که یک بهرانی در کارها ایجاد میشود از هر نوع کاری این حکایت میکند که بطور کلی جریان اداری و وضعیت مملکت ، بایک نقشه منظم و یک برنامه صحیح در شئون کلیه کشور بلکه حتی در کار هائی هم که جزو برنامه وزراء و ادارات هست مشغول کار نشده ایم البته یکمقدار از عملیات هست که شرط مادی دارد که باید پول برایش فراهم بشود که بشود کاری انجام داد اینها را البته اگر کموزیاد بشود یا دیر وزود بشود ممکن است که شرط کرد که اگر بودجه زیاد شد اگر هایدی پیدا شد اگر

برنامه هفت ساله توانست بکند ولی کسریها و نواقص مملکت منحصر بکارهای عمرانی نیست و بنده خیلی متأسف بودم وهستم که در قسمتهائی هم که مربوط بامور عادی واجتماعی است مورد غفلت بوده و امیدوار هستم با این تذکرات بیشتر مورد توجه قرار بدهند بنده چند موضوع در این مواد یادداشت کرده ام که اینها الان در منتهی درجه بدی است و اصلاح آنها محتاج بیول نیست یکی تنظیم امور تجارتی است بنده تاجر نیستم ولی همیشه هر وقت دقت شده با هر جا گفتگو است بنده می بینم باینکه از مقدار واردات کیفیت واردات مقدار صادرات و مواد صادره و امثال آنها و بالاخره کلیه اموری که تجارت کشور در پیرامون آن دور میزنند همه کس شکایت دارد در حالی که خوب اگر بنا شود یک توجه خاصی باداشتن یک افرادی که از افراد مطلع و بصیر تشکیل شده باشند البته یک تنظیم و ترتیبی در اینکار داده شود بنظر بنده از امور مهم و در درجه اول اهمیت است برای اینکه بعد از فلاح و خوراک ، موضوع واردات و صادرات است که اگر یک صورت منظمی پیدا بکند این نواقص و مشکلات از بین میرود موضوعی که عرض کردم کارخانجات عجب این است که هم صاحبان کارخانه وهم کارگران کارخانه هم خریداران متاع کارخانه همه می بینم غالباً شکایت دارند چه ملی و چه دولتی این موضوعاتی است که بالاخره همان طوریکه عرض کردم در واقع جزء کارهای همومی و اجتماعی است (کشاورز صدر - در برنامه دولت هست) فرق نمی کند یکی دیگر موضوعی است که آقای عامری خوشبختانه در پیرامونش سخن گفتند و احتیاجی به بحث بنده ندارد موضوع اصلاح قانون استخدام است این موضوع واقماً صورتی بخود گرفته که هیچ مستخدمی حتی آتھائی هم که معسود خلقند آنها هم راضی نیستند اینها باید واقماً معجزه کرده باشند در یک مملکتی که حتی افرادی را بر کرسیهای بلندی بوده نشانده و سایرین را بواسطه بالا نشانندن آنها با خودش طرف کرده همانها هم وقتی که تازه پهلویشان میرسید می بینید منتهی درجه عدم رضایت را اظهار می کنند و خودشان ناراضی هستند دلایل را ایشان اظهار کردند ولی بنده باز مختصراً ذکر می کنم که امید در هر کاری بیشتر از آن شرایط مادی از برای تشویق و کار کردن تاثیر دارد و اگر این امید قطع شد دیگر کار کردن اصلاً منقطع میشود سابقاً یکی از این آقایان که الان نمایاندر رتبه شاه چیست نقل می کرد برای بنده ، می گفت من از رتبه هشتم شنیدم تصویب شده از فرط خوشحالی تا صبح خواب نبرد خوب ملاحظه بفرمائید یک فردی که مدت دوسال بامید اینکه رتبه بگیرد یک مدتی اشتیاق اینکه رتبه گرفته زندگانی اش بهتر بشود امید بیشتر داشت حالا یک فردیکه رتبه های عالی گرفته اند نشسته اند یک فرد دیگر هم مانع طوریکه عرض رسید در ضمن این اصلاح رتبه و این اقداماتی که در قانون استفاده شده بنده شنیدم بنامین مختلف و شرایط مختلف در یک وهله ۶ رتبه گرفته اند دیگر

تصدیق میفرمائید در این صورت رتبه هیچ قیمتی ندارد والا اگر از هر جهت هم چیزی مبتل بشود و شرایط مادی اش هم که یکطور است که بالاخره بدون رود ریاستی هیچکس نمی تواند با حقوی که دارد زندگی اش را اداره بکند پس بنابراین حق با آنها است یکی از موادی که خرابیش خیلی در مملکت ما مایه تعجب است موضوع برق و تلفون است حالا دیدم یکی از آقایان از برق تعجب می کردند این کار برق و تلفون است برق امروز دیگر جزء مسائل فنی و جزء کارهاییکه بشود با آن شوخی کرد نیست در تمام شئون زندگانی انسان از صبح تا شب برق دخالت دارد ولی متأسفانه در شهرها یا برقیش تعطیل است یا ناقص است یا شرایطش خیلی سنگین است که کسی نمیتواند در پیرامونش برود بالاخره باید یک قرار اساسی برای برق پیدا کرد که اصلاً وضعیت برق مملکت یک صورت دنیا بسندی پیدا بکند این جزء یک موادیست که الان مقدماتش و مواد اولیه اش فراهم است و بنابراین یک قدری توجه و کمک و مساعدت میخواهد که بشود در ریاست تمام کشور از این صورت زد و خورد و اوضاع بد بطور کلی برود بکنار و یک جریان عادی بخودش بگیرد (دکتر طباطبائی - برق بهتر شده) (یکی از نمایندگان - چش بهتر است ؟) ولی دیروز اعلام کرده بودند که افرادی که در سال ۱۳۲۱ تقاضای برق کرده اند تشریف بیاورند تا ببینیم بوضعشان رسیدگی کنیم برقشان را بهشان بدهیم . اگر خوب بودن یک مؤسسه ای معنی اش این است بنده حرفی ندارم ولی الان بنده می بینم آن عده ایکه قدری نفوذ کمتری دارند اگر هر کدام بخواهند دنبال برق بروند باز ناچار هستند باهمان شرایط بروند معرمانه کتتر را دو هزار تومان ، سه هزار تومان بخرند (یکی از نمایندگان - نمیدهند آقا) . موضوع تلفن را بنده نمیدانم چه معجزه ای در کار است که هر سال بحث است و همیشه از مشترک و از غیر مشترک پول گرفتن ، بالاخره معمولاً وضع تلفون از همان حال و کیفیتی که در سابق بوده بهتر نشده (شوشتری - بهتر شده آقا) آقای وزیر پست و تلگراف خودشان بهتر میدانند من نمیدانم چکار میشود کرد ؟ (شوشتری - لئو امتیاز) بهر حال این را استدعا میکنم توجه بفرمائید دیگر از مطالبی که اگر مورد توجه قرار بگیرد موضوع تماس مأمورین با مردم است یک وقت می بینم که یک مأموری بد است ، ناصالح است او را البته بر میدارند یک وقتی است خیر عیب در این است که اصلاً مردمان تماسشان با ادارات بخصوص هر چه دورتر برویم خیلی نامطلوب است یعنی غایب افزادی وجود داشته باشند الان در تهران که مدتهاست آمده اند و اینها دسترسی از برای اینکه مطلبشان را بگویند و جوابشان را بشنوند بایک رئیس یا یک ضوی ندانند ساعت معصود است مقامات عالی که البته گرفتاری زیاد تری دارند گوششان بشمار نیست اگر هم باشد میگویند آقای رئیس جواب میگوید آقای رئیس هم که نمیتواند منظوم این است که اصلاً نتیجه تماسهای بین مردم و مأمورین دولت موجب میشود که توسل و نفیث از بین نرود و

طبعاً رواج هم پیدا میکند زیرا که اگر بنا شود یک کسی فرض بفرمائید در یک سرزمین دور دستی که ولرد شهر تهران بشود و آشنائی نداشته باشد بایک کسی که برود کارش را انجام بدهد بنظر بنده این محال است که بتواند کارش بطریق عادی طی بشود و کارش درست انجام شود اینکار بسیار خطرناکی است یعنی طوری شده است که مردم ، دولت و ادارات را چیز دیگر و خودش را چیز دیگر میدانند و این یک عامل خطرناکی است عجب این است که در ایالات و ولایات غالباً خود آقایان مأمورین بیشتر راهنمای خلاف قانون میشوند یعنی باینکه قوانین وجود دارد معذک کله میگویند در مورد مالیات این جور است قانون مالیاتی وجود دارد معذک کله میگویند که باینکه وضعیت مالیاتی فعلی را بر طبق ترتیب پارسل انجام بدهند من خیلی تعجب میکنم در صورتیکه دولت ما قومه مجریه اساساً معنی اش اجرای قوانین موجود است اگر کسری و نقصی دارد باید در مرکز بترتیب خودش اصلاح بشود ولی اگر بنا شد که یک آقای رئیس صلاح ندانست و بعهده خودش خواست عمل بکند این چه فایده دارد ولی در حال آنچه که در ادارات قابل توجه است و باید حتماً توجه مخصوصی بشود موضوع تبعیض است تبعیض در استخدام ، تبعیض در ترفیع ، تبعیض در تمام شئون این موضوع متأسفانه اگر من بخواهم در اطرافش بحث بکنم یک قدری موجب بی آبرویی کشور میشود از این جهت بنده بطور کلی وسریسته عرض میکنم که روزگار دولت و مملکت را این مسئله تبعیض سیاه کرده هر کس آمده است در رأس یک تشکیلاتی قرار گرفته آمده است کس و کار و قوم و دوست و یار را مصدر کار کرده بعداً اگر بنا شد که سایرین این منظره را دیدند آنها هم می آیند تقاضا میکنند آنها که تقاضا کردند نمیتوانند کار بکنند در حالسلی اگر از ساعت اول مسلاک یک طور دیگری قرار بگیرد که کلیات بدون تبعیض انجام بگیرد بنظر بنده موجب خواهد شد که اساساً کارها مطابق جریان معمول انجام خواهد گرفت بنظر بنده خیلی عمل تبعیض عمل حساسی است که الان باید مورد توجه قرار بگیرد غرض بنده از ذکر این مقدماتی که عرض کردم چیزهایی بوده که شایسته کمال توجه است و در همین حال سرمایه مالی زیادی لازم ندارد تا اینکه موجب شود که بگوئیم حتماً شرطش این است که یک پولی تهیه بشود و یک بودجه ای پیدا بشود اینها یک مطالبی است که در زندگانی اجتماعی ما کمال تاثیر را دارد و اگر بنا بشود که دولت یک عهده مخصوصی را برای مطالعه این امور موظف بکند و اینها بشینند و با اهل حرفه تماس بگیرند و این مواد را مورد مطالعه قرار بدهند دو نکت از مشکلات کم میشود بیشتر این مشکلات در همین قسمت هائی که عرض کردم پیدا شده است آنوقت اگر بنا شد که مسئله مالی اش برسییم نواقص عمرانی زیاد است از قبیل دامها و کفین راه آهن ، احداث بنادر و ساختن پل و امثال اینها که یک قدری پول لازم دارد از این حیثها متأسفانه باز نسبت بکشور بشماوی عمل نشده و فارس یکی از نواحی است که مورد احوال فرار گرفته تا پیرارسال دادند ۱۱۸ سکناس تأسیس شد و راجع به ۵۰۰

یعنی سه سال پیش از این اصلاحات جدیدی که در کشور صورت وقوع پیدا کرده اهم از راه سازی ، از بندر سازی ، از پل حتی ساختن عمارات مخصوص ادارات و دولتی که در هر جای دیگر عدد سکنی ساخته شده بود کاملاً فارس بی بهره بود بطوریکه حتی استانداری فارس که در شهر شیراز بود توی خانه اجارهای بود شهرداری اجارهای بود حالا چرا از مدتی پیش توجه باینجا نشده بود خودش یعنی دارد جدا گانه و در سه چهار سال قبل البته آقایان نمایندگان فارس آمدند و رفتند بالاخره گفتند اگر گناهی دارند مردم فارس که باید از این قسمتها بی بهره باشند بفرمائید والا یک توجهی اگر بشود شاید که خیلی شایسته و بیجا باشد بالاخره یک مبلغی را اختصاص دادند و مقدمات یک قسمت ساختمانهای فراهم شد که در آنجا بکنند شایسته ۷ یا ۸ تا از ادارت صورت خیلی مبتدلی پیدا کرده بودند و ساختمانهای درست کردند غالباً زیر پوشش همینطور مانده حرف اینجا است که این مطالب گفته میشود برای خاطر اینکه یک مبلغ هنگفتی که شاید دو سه میلیون باشد اینها داده شده بود مانند مقدماتش را فراهم کردند عبارت آمده تا زیر پوشش بالا آنوقت میماند باران و برف هم می آید اینها در هم انباشته میشود آنوقت هم مساعی کسانی که فعالیت میکردند هم مساعی دولت بهتر میرود همچنین راجع برام بنده پشت این تریبون در سه سال پیش از آقای وزیر راه سؤال کردم که سرمایه اسفالت کردن رامشیراز بطهران در سال حاضر که سال ۱۳۲۷ بود چقدر خواهد بود ایشان با کلام صریح فرمودند باینکه مادر فروردین سال آینده که سال ۱۳۲۸ باشد میتوانیم ۱۵۰ کیلومتر راه اسفالت تحویل بدهیم آقایانی که امسال فارس را دیدن کرده باشند بفارس تشریف بردماند مشاهده کرده اند که نه تنها اسفالت نشد بلکه بقدری وضعیت راهها را خراب و دردم کردند که حتی از تعمیراتی که بطور عادی اداره راه میکند عقب مانده همچنین موضوع ساختن آن راه میان شیراز و اهواز مانده بطور کلی میخواهم عرض کنم که فارس راه ندارد بندر ندارد تلفن خود کار و شبکه ای که بتواند باشهرهای دیگر ارتباط پیدا بکنند ندارد بنده تقاضا کردم از اداره جنگلبانی یک مقدار جنگلی در میان شیراز و کازرون وجود داشت که جنگل بلوط بود بسیار جنگل خوبی هم بود پرو سبز و خوب امسال که بنده از آنجا عبور میکردم باندازه ای که انسان بتواند بداند که یک وقتی در اینجا جنگل وجود داشته درخت نبود بنده خواهش کردم که دوتا مأمور در اینجا بگذارید که جلو گیری از قطع درختها بشود معذک این قسمت انجام نشد برای نمونه فقط لازم است یک قسمت عرض کنم که ۵۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۲۷ برای فرهنگ ۵۰۰ هزار تومان برای بهداری اختصاص چون بایک برنامه منظمی انجام گرفت در آن قسمت فرهنگش علاوه بر اینکه ۲۱۸ هزار تومان برای قسمت حقوق و دادن ترفیعات و ابزار لازم اختصاص دادند ۱۱۸ سکناس تأسیس شد و راجع به ۵۰۰

هزار تومان بهداری ۱۲ بیارستان ۱۰ تحتوایی در شهر های مختلف تشکیل شد و بنده حساب میکنم که اگر بنا بود با این نسبت یعنی از هر ۵۰۰ هزار تومان آنرا در انسان بتواند نتیجه بگیرد باید مملکت ما در بودجه هر ساله اش خیلی کارهای خوب بکند اما دیگر آنوقت تطبیقش را با سایر سازمانها خود آقایان بهتر می توانند انجام بدهند وقت صحبت بنده گذشته بنده جزء افرادی بودم که معتقد بودم با اینسهات خیلی حرفها می شود زد و حالا هم معتقد هستم که خیلی از حرف های خودم را زده ام و بهر صورت دولت حاضر همینطور که در مقدمه برنامه گفتم با وجود یک شخصیت های خوب امتحان داده ای که بعد الله در دولت جناب عالی شرکت کرده اند (افشار صادقی - جناب عالی موافق هستید؟) بنده بلی با اشخاص کابینه موافق با مواد برنامه مخالفم بنده امیدواری دارم که این تغییر و تبدیل مواد برنامه هم مورد توجه قرار بگیرد نتیجه کاملاً تری انشاء الله از دولت برای مملکت و ملت گرفته شود که هم مجلس شورای ملی و هم در دنیا موجب رؤسفتی بیشتری فراهم شود

نایب رئیس - آقای نورالدین امامی .
نورالدین امامی - بعقیده من برنامه هائی که دولت ها روی کاغذ می آورند این برنامه ها شمشع و روشن است موافق و مخالف که در اطراف برنامه ها صحبت می کنند برای ترس از گذشته است و یک تذکرانی از گذشته داده می شود بدولت که بلکه جلوگیری از خلاف قانون ها و عملیاتی که در گذشته شده بکنند و الا دولتی که تازه آمده و یک برنامه روشن و شمشع هم آورده و بعد الله از اول مشروطه هم تا حالا یک دولتی که بآن برنامه ای که آورده عمل نکرده است دیگر مخالف و موافق نکردم اینجاییکه دلیل فقط بعنوان موافق اسم نویسی کردم آنهم اگر جناب آقای نخست وزیر اجازه بدهند عرض کنم که من تا چشم باز بگردم ایشان را مرد عمل و کار دیدم حالا شک بفرمائید در سن ایشان ایشان از ۶۳ سال پایشان را بالا نیک دارند بنده هم از چهل سال و باینها کاری ندارم ولی حقیقه من از وقتی که چشم باز کردم و خدمت ایشان رسیده ام ایشان را مرد عمل و کار دیده ام و فقط امیدواری ما باین است که ایشان این مملکت را از این وضعیت در اینجا جنگل وجود داشته درخت نبود بنده خواهش کردم که دوتا مأمور در اینجا بگذارید که جلو گیری از قطع درختها بشود معذک این قسمت انجام نشد برای نمونه فقط لازم است یک قسمت عرض کنم که ۵۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۲۷ برای فرهنگ ۵۰۰ هزار تومان برای بهداری اختصاص چون بایک برنامه منظمی انجام گرفت در آن قسمت فرهنگش علاوه بر اینکه ۲۱۸ هزار تومان برای قسمت حقوق و دادن ترفیعات و ابزار لازم اختصاص دادند ۱۱۸ سکناس تأسیس شد و راجع به ۵۰۰

وما را از شریک عده ای خلاص بکنند حالا هیئت تصفیه در ایستد چکار کرد مدیر کل نیت را برداشتنده اسمش را کرد رئیس نیت این تصفیه است با بازرسی های ویژه را برداشته اند بستانها را هوش کرده اند جناب آقای دکتر نعیمی رئیس کار آذربایجان بپهران آمده بود برای اینکه بست من را هوش کردند بدم رفتم تعقیب کردم معلوم شد خیر چون یک عده بستها را دروزارت کار زدند و آن شخص هم که در آنجا بود کفیل بود پست ریاست آنجا خالی بود حقوق او را برداشته اند در طهران بزرگترین دست کردند شاید که این رئیس است همان کفیل آنجا هست همان را گذاشته اند بکنفری پیدا نشد که هیئت تصفیه بگوید که آقا من این وزارتخانه را از یک فرد تصفیه کردم صد تومان از یک وزارتخانه ای بود در وجه اش برای خاطر تصفیه صرفه جوئی شده آخر مفروض از این تشکیلات با این سلام و صلواتی که قانون را گذراندم اگر این بود که حسن را اسمش را بر گرداندند حسین بگذارند (آشتیانی زاده - تحویل کرده اند) صفائی - این دلیلش این بود که از بالا خواسته اند شروع کنند) اینها البته بعنوان تذکرات است که باید یادداشت کنید و توجه کنید که اگر تصفیه تصفیه است این ادارات با این عرض وطول و کسی هم نمیتواند مدعی بشود که ما مأمور نادرست نداریم خوب یکی را تصفیه بکنند عرض دوم من راجع بوزارت دادگستری است البته من افتخار میکنم که یک همدشهری محترم ریش سفید ما و یک قاضی یا کدامن صحیح العمل در رأس وزارت عدلیه قرار گرفته (صحیح است) بنده هم عرض میکنم صحیح است چون اگر آنجا نشسته بودم صدای بلندتر بود ولی خیال میکنم که خود جناب هیئت هم تصدیق میفرمایند که کادر قاضی ما روز بروز ضعیف تر میشود (موسوی - برای آن تصویب نامه است) اجازه بفرمائید استدعا میکنم نوبه آقا هم میرسد باین موضوع توجه بفرمائید پرونده ای تشکیل میشود کیفری یا جنحه ای میروند بوزارت دادگستری این مراحل قضائی را باید طی کند مستظفی رسیدگی میکند قرار عده مجرمیت صادر میکنند از صد تاپرونده وقتی که این مراحل را طی کرده تا بحکم محکمه رسید ۱۵۰۱۰ تا مانده البته بعضی گزارشها دروغ است بعضی با مدارک کافی نیست ولی بیستم در اجرای وزارت دادگستری چند هزار پرونده رفته برای اجراء که حکمش هم قطعی شده و اجرا نشده آن دزد ها آن قطاع الطریق ها آن جیب برها آن رشوه خور ها آن رشوه ده ها چند هزار تا آنهاست که احکامشان قطعی شده است هی مأمور پول میگرد اجرائی میکنند اقلا ما ده هزار پرونده در اجرا را که خوب باندیم از این پرونده ها که عرض کردم اینها را کلکش را بکنید یک موضوع دیگری که در این چند سال اخیر در وزارت دادگستری شیوع پیدا کرده بدبختانه آن قضات صحیح و یا کدامن مارتنه اند گوشه نشینی کرده اند همه دست از کار کشیده اند بازرسی ویژه بنیاد هم محکمه انتظامی آنجا رفته اند کارهای حساس دست اشخاص غیر صالح افتاده است میخواهم بگویم باشخاصی که صلاحیت آن صنفی ها را ندارند دادند وقتی که

قانون بازنشستگی اینجا مطرح بود بنده پیشنهاد کردم که لایحه سن قضات و استادان دانشگاه را از هفتاد ببرند بالا چون این دو نفر قاضی که آقا تصفیه خواهد یشت سر بازار خانه مشق بکنند قاضی باید دوسه بخواند هر چه بیشتر دوسه بخواند طول مدت خدمتش بیشتر باشد این قاضی بهتر است استادش هم همینطور آخر وزیر دارائی وقت موافقت کرد پنجاهم رفت بالا در صورتیکه من موافق بودم که تا سالی که زنده هست و تا وقتیکه خودش تقاضای تقاضا نکرده (تخت و وزیر - یعنی بن خودتان) بنده ۶۳ را قائم هیچ بالا نمیروم خدا سلامت کند جناب آقای صفائی را فرمودند تا مجلس شورای ملی بود من از سی و دو سال بالا رفتم حالا خدا لعنت کند این سنا آمده من دیگر از چهل و یک سال بالا نمیروم باید یک توجیه بفرمائید جناب وزیر دادگستری هر طور شده بهر قیمتی شده آن قضات صحیح العمل یا کدامن که افتخار مملکت ایران است آنها را برگرداندند در رأس صکارها (صحیح است) و به آقا قول میدهم مجلس شورای ملی با جبهه باز هر قانونی برای بسط دادگستری بیاورند و هر چه بخواهند با جبهه باز استقبال خواهد کرد و تصویب خواهد کرد (صحیح است) جناب آقای دکتر امینی وزیر اقتصاد ملی توجه بفرمائید بدبختانه باخوشخانه من در تجارت اصلاحی تخصصی ندارم در هیچ کاری تخصص ندارم بالاخص در تجارت نمیتوانم چه شد جناب دکتر امینی که بعد از سوم شهریور که تحولاتی پیش آمده والله ما یکدانه کراوات در طهران پیدا نمیکرویم حالا (این از مصر آمده است سفیر کبیر فرستاده) عرض کنم که یک کراوات پیدا نمیشود اگر هم پیدا میشد بیست تومان سی تومان حالا بطور شد که آن کراوات ها ۵ ریال در خیابانها هست کراوات باف های سابق مرده اند چه شده آخر اینهمه با اجازه کی بطور میشود از کجا میآید بطور میشد که قبل از سوم شهریور نمی آمد این سیل اتومبیل از کجا است با کدام پول است این مدلها والله من خیال میکنم در امریکا سوار مدل ۵۰ نشده اند اینجا مدل ۵۰ کهنه شده اینها از کجا میآید پولش از جیب کی در میآید؟ بجبب کی میروند؟ (یکی از نمایندگان - اسباب بازی را بفرمائید آقای امامی) استدعا میکنم این موضوع را دولت توجه بکند در سال ۱۳۱۳ بنده رضایتی بودم جشن هزار ساله فردوسی گرفته شد چه آب و تاب مفصلی چه جشن مفصلی مستشرقین هم آمدند ایران خیلی هم خوششان آمد اسم این مملکت را گذاشتند مملکت گلو بلبیل در نتیجه همان تحولی که آقای آشتیانی زاده میفرمایند معلوم میشود آنها هم از ایران فرار کردند بلبیل مصنوعی هم آوردند بملکت یکی ۵۰۰ تومان آخر این پول کجا میروند مملکت گل و بلبیل حالا بلبیل مصنوعی در مفازه فرد یا فلانجا بلبیل مصنوعی میخواند اینهم اسباب بازی ما (کشاورز صدر دستگاہ توالی ۳۲ هزار تومان) این اسباب بازی اگر نیاید الحمدلله بنده از این حیث راحتت بر سر جنبایی یا آقایان مجبوران میکنم که بلبیل مصنوعی بخرد این

را تلف کردم به بیند سربیکجا زده این پولها اجا میبود و چه استفاده ای میشود برای مردم گرسنه آنوقت این آقای نبوی کله میکنند حق هم دارند کله بکنند آقای نبوی بحضرت عباس باذربایجان هم هیچ توجیه نکردند این چهارتا کورو لولول را این چند روز جناب منصور توجیه میسوزند والله بسوزد آذربایجان یک پاپاسی نرسیده همه نشستند و گفتند و برخاستند (اسلامی - گندم ها کجا رفته همه اش باذربایجان رفته) این زراعت بنی ایران چه شد؟ کجا رفت؟ آخر این وزارت کشاورزی چکاره است بیندید درش را بودجه اش را بدیدید همان پنه کارها یک سال سال دیگر ۵۰ برابر آنچه از بین رفته بر میگردد بدبختانه و خوشبختانه وزیر دارائی نداریم خوشبختی بر این است که ۳۵۰۰ تومان توی جیب مردم مانده از آن بابت عرض میکنم و یکی هم ممکن است خود آقای نخست وزیر بیشتر بعرض ما توجه بکنند آنهم میآید مثل یکی دو تا از وزرای قبلی روشنشان را بر میگردد آید نمیدانند چکار کنند چند وقت پیش رفته بودم وزارت دارائی بودجه مملکت ۱۲۰۰ میلیون تومان است ماهی میشود چند میلیون تومان هر روز میشود چند میلیون هر ساعتی چند هزار تومان اینهم دروغ است ۱۲۰۰ میلیون نیست اگر بودجه اقتصادی را حساب بکنیم سازمانهای خبریه را حساب بکنیم شهرداریها را حساب بکنیم سه برابر میشود یعنی هر تا به بیست هزار تومان آقا مردم دارند پول میدهند این مردم گرسنه آنوقت در مقابل مجهول السکان ها آن اهلانات را ملاحظه فرمودید یک روز استدعا میکنم تشریف ببرید بیازار کفشدوزها و به بیندید مردم چه حالی دارند همین لاله زار تشریف ببرید به بیندید چه وضعی دارند آنوقت از یک کفشدوز ۵۰ هزار تومان مالیات میخوانند بگیرند یک دانه بقال ۷۰ هزار تومان سرمایه اش ۷۰ تومان نیست (ارباب - زندگش را حراج میکنند برود گدا بشود) نتیجه چه میشود؟ نتیجه صفر آنوقت از اشخاصی که معقلاً بتصدیق خود آقایان دیشب گرسنه خوابیده اند و گفتش با ایشان نیست مالیات میگیرند دوسه باین بزرگی برایش درست میکنند که آن باقی سرمایه اش یا آن سداور حلبی خودش را بفروشد و بگذارد و مهاجرت کند و برود (صحیح است) بدبختانه یا خوشبختانه برنامه دولت یک کلیاتی بود که خیلی مورد توجه همه مردم شد ولی ما دلمان میخواست چون ما جناب آقای نخست وزیر رایکیا آذربایجان می دانیم دلمان میخواست که در این برنامه حالا مورد اعتراض آقایان نشوم هر کس حق دارد دلخواهش را بگوید - حالا دلم میخواست در این برنامه یک چیزهایی راجع باذربایجان میفرمودند و عملاً فرمودند میکوییم عرض هم کردم انشاءالله پیشرفت هم خواهد کرد ولی راجع به کشاورزی آذربایجان خودتان تصدیق دارید که کشاورزی آذربایجان بکلی از بین رفته (قتی زاده همه جا از بین رفته) جناب قتی زاده توجه بفرمائید قبول است همه جا از بین رفته ولی آذربایجان خزانه شماست خراب است کشاورزی است مغزن کشاورزی است در سال ۱۳۱۱ بنده رفتم باذربایجان تمام راههای آذربایجان بکلی ویران و خراب شده بود چرا؟ برای اینکه گندم از

تمام نقاط آذربایجان با آن کابو نهای بنباه صدفنی (یک نفر از نمایندگان - صدفنی نیست) چه میدانم سه تنی پنج تنی یازده تنی آن کامبو نهای سنگین بسا کامبون گندنها بر وسیه حمل میشد سد و چند هزار تن گندم دولت آسفال بر وسیه فروخت چه شد؟ کجا رفت؟ چه شد اسفال ۷۰ هزار تن گندم بسا آنجا داده است و تازه روزی صد و پنجاه نفر از گرسنگی آنجا میمیرند (قتی زاده - هشتت را بفرمائید) عدم توجه دولت که همه اش در این کله مسقر است دیگر اجازه ندهید حرف بزنم همه اش را عرض کنم والله جناب آقای نخست وزیر مثل اینکه ما نظر کرده هستیم چند روز پیش بنده آمده بودم بمجلس یک کسی بن گفت فلانی این معجزه هائی که سازمان برنامه چاپ کرده تودیدی؟ گفتم نه رفتم پیدا کردم این سازمان برنامه والا حضرت شاهپور هیدالرضا که در رأس این برنامه هستند من دمرتبه بیشتر خدمتشان نرسیدم در این دمرتبه که هر مرتبه نیم ساعت یک ساعت بود ایشان را خیلی وارد و دقیق بکارها دیدم جناب آقای منصور الملک را که اول عرض کردم با ایشان ایمان عقیده دارم مرد کار و فعالیت است یک شب بنده ساعت یازده به تیریز رفتم تک نهاد در پشت میز نشسته بود و کار دفترش را هم میکرد همان ۶۳ ساله ایشان هم در رأس هستند مشرف نفسی را هم بنده شخصاً باو عقیده دارم که مرد کار است عقیده شخصی من است ایشان در رأس برنامه این دوفتر هم اینجا آنوقت این یک صورت حساب دارد ۴۷ میلیون تومان وجوهی که سازمان برنامه تا آخر بهمنماه ۱۳۲۸ برای بهره برداری و رفع نواقص بطور علی الحساب بشرکتها و واحدهای صنعتی معدنی پرداخته ۴۷ میلیون تومان می خواهم به بینم عایدات این کارخانه ها کجا است؟ ۴۷ میلیون تومان راجح دادید؟ عایدات اینجا کجا رفته؟ اگر عایدات ندارد بدهید بهمان کار گرها بروند بقول مرحوم مدرس سی خودشان بچرند دیگر پرورد دستی بدهیم؟ آخر بگوئید کارخانه نساجی شاهی یا کارخانه پارچه بانای کازرونی اصفهان مگر فرقی دارد؟ چرا بکار زرونی نمی دهید؟ باینهم ندهید آخر این عایدات دارد یا ندارد؟ حریر سیانی چالوس عایدات دارد یا ندارد؟ این رقم ۴۷ میلیون تومان کجا رفته است یازده میلیون تومان مؤسسه راه آهن یازده میلیون تومان نه ریال خوب یکیش مائیم آذربایجان من که بحضرت عباس چیزی ندیدم (نخست وزیر - شما در طهران نشسته اید، نرفته اید خط آهن که سر راه شوشه نیست) حالا این برنامه بقل ناقص من (صحیح است) (خنده نمایندگان) عرض می کنم اگر هزارتا ماشین کشاورزی بیاورند هزارتا سی میلیون تومان باین خرده مالکین قرض می دادند یکساله چه میشد؟ آنوقت آمدند رفتند و چند میلیون رقم آخرش ۹۴ میلیون خرده ای حساب بالا آورده این ۹۴ میلیون خرده ای آنوقت اینجا گرسنه آنجا گرسنه مگر این دولت بدبخت چقدر پول دارد یا ملت و

مردم چقدر پول دارند که اگر سال دیگر بشطور شود ... بشود اسفال آذر ایجان ندارد دیگر با کدام پول میتوانیم سصد هزار تومان بگرییم؟ راجع بوزارت فرهنگ عرضی ندارم فقط بحضرت عرض میکنم که سه سال است هر چه که ما دویدیم که یک ویر بگرییم بفرستیم بشهر خوی خودمان چیزی گیرمان نیامد ما از دوتا جناب وزیر کشور و راه یک تقاضا داریم سر لشکر بودیم هری کریم آقا فامان آمد میدان سه را اسفال کرد بیست سال قبل نابیدار سال آن برف گذائی اسفال سرجایش بود من میخواهم به بینم بنده بعد از سوم شهریور باینطرف چه شده معوضاتم از آقایان خواهش بکنم از دوتا جوجه مهندس بفرستند که این اسفال چقدر میمانند آخر اسفال اسفال می کنند سال دیگر دوباره بر می دارند این راههای شوشه را فکر کنید اقلاً برای خودتان هم شده است برای اطلاع شخص خودتان از اینکه جوجه مهندس بفرستند ترا حضرت عباس که یک اسفال مردنی چقدر میمانند یک اسفال زندنی چقدر میمانند؟ اینکه نشد هر سال سه دفعه اسفال را پاک کنند آن قدیمیها می گفتند که این گلها را جمع می کنند می برند خشک میکنند سال دیگر می آورند حالا اسفالها را می برند خشک میکنند سال دیگر می آورند (شوشتری - نان تویش دارد) از آقای نایب رئیس خیلی احتیاط میکنم که یک احتیاط دیگر نکنند جناب وزیر کشور یک عرض آخر را هم بکنم این انتخابات شهرستانها چرمانه (صحیح است) یکمده ای از این شهرستانها ارفیبل اردبیل مها باد آباد کرمان بجنورد نجف آباد عرض مرا توجه کنید اگر همه جایش را نشاید نجف آباد را که می دانید عرضم را توجه کنید ترا حضرت عباس میدانی بیا بجا بگو نجف آباد چرمانه اردبیل را هم من میدانم چرمانه توجیهی بفرمائید من انتظار دارم همانطور هم که آنروز عرض کردم صد و صد چون اعتبار دارم بجناب آقای نخست وزیر اطمینان دارم که اسفال این چند نقطه هم صحیح و سالم عمل خواهند نمود و بروی که ما آن همکارهای خودمان را اینصورت است اطلاعاتی دارم همانطور که آقا عرض کرد راجع به نجف آباد اطلاعاتی دارند بنده هم راجع به اردبیل یک اطلاعاتی دارم اردبیل چه خبر است؟ شنبه صد و صد و هزاره بنظر نگاه داشتند که گاندید کیست دیگر نیتوا بگویند اسفال راجع بدزق و آبداده همه مصلحت را میدانم استمداء میکنم که هر چه روزی از اسفال اسفال بسلامتی اگر امروز وقت شد با من رجوع کنید رأی اعتماد کافی میسر بود آه آنروز که میدان ما به بینم وقت شد ۵۰ روز بود استحضت بگویند (اشهاد)

- ۴ - موقع دستور جلسه بعد سه ساعت نایب رئیس - وقت منقضی شد
- میکنیم جلسه آینده روز بیست و سه (مجلس) دقیقه چهارده
- نایب رئیس مجلس شورای ملی